

هر که نان از عمل خویش خورد منت از حاتم طائی نکشد پس بر ما باد که تربیت لطفال را پس علم
علوم نافه یکی از صنایع دافعه الاحتیاج نامزد نمائیم که در سختی و فقر و فاقه و احتیاج و کمبود
و ریا و دستگیر و معین و پیش گیر باشد که حقیقتا بی حضرت نوح سیفر ماید و صنع انکس با سینه و
الاتی مطلق قادر بر انکه بی آلت صناعت صدها رشتی از شتی خاک بر آرد و لیکن سفسینه از
خسینه غیب بظهور آورد پس بر هر کار دانی لازم که نسخه ازین کتاب که مشتمل است بر ایجاد صنایع
بدیعه جدیده مجرب و بیا و کار نکند دارد مخفی بباد که مقصود از ترجمه همین بود که چون بمقتضای وقت
عرصه فرصت بر اهل روزگار تنگ گردیده و وسعت و استطاعت بعموم خلایق انقدر نمایند که
تدیت دراز بکسب علوم پردازند بنابراین این رساله برای ثایقان و طالبان بخصوص اهل ایران بکار
که باز در فرصت سرمایه از هنر حاصل کنند و استعدادی بهم رسانند و بکار معیشت پردازند چون
کثر او و یه این رساله بزبان فرنگ میباشد بجهت دریافتن آن فرنگی بنظر انگریزی و خط پارسی
در آخر کتاب تحریر یافت و این رساله در منقسم بر دو قسم ساخته قسم اول در فنون مختلفه مشتمل بر بیان
بیان اول در صنعت تشبازی بیان دوم در فنخ و ادایای و نکات
بیان چهارم در مینا کاری بیان پنجم در ساختن و انیس
بیان ششم در صابون سازی بیان هفتم در لاک سازی
بیان دهم در کشیدن تمام عطریات بیان یازدهم در نسخ خطاب
بیان سیزدهم در ساختن کبریت بیان چهاردهم در آئینه سازی
بیان بیستم در صنایع مختلفه

قسم دوم در معدهیات مشتمل بر مشتمل بیان

بیان اول در جواهر سازی بیان دوم در طلا بیان سوم در نقره بیان چهارم در مس
بیان پنجم در قلع و سرب بیان ششم در آهن و فولاد بیان هفتم در سیاه بیان هشتم در بلع سازی

بیان اول از قسم اول در صنعت تشبازی

باید دانست که در ملک چین و بلاد یورپ و هندوستان رواج کلی دارد و این کار بسلقه و حیاط
و ما بر این فن از مایه استیلا و محتاج نمیشود و در اینجا بندی از نسخهای این فن معمول
اهل هند و باز معمول اهل ولایت دیگر نوشته می شود

اوزان از خود اهل هند در قیام انار حقه تشبازی

وزن کلنار شور ۲۸ توله اشک ۲۸ توله کبریت صفر ۱۴ توله براد و آب ۲۸ توله

وزن انار	شوره ۲۴ توله	انگشت ۷ توله	کبریت ۷ توله	براده آهن ۲۰ توله
وزن انار یا سمن کل	شوره ۲۸ توله	انگشت ۷ توله	کبریت ۷ توله	براده آهن ۳۴ توله
الصف	شوره ۸ توله	انگشت ۷ توله	کبریت ۷ توله	براده آهن ۸ توله
وزن انار سمن کل	شوره ۸ توله	انگشت ۷ توله	کبریت ۷ توله	براده آهن ۲۰ توله
ایضا	شوره ۴ توله	انگشت ۱۰ توله	کبریت ۱۰ توله	براده آهن ۱۰ توله
وزن انار یا سمن کل	شوره ۴۰ توله	انگشت ۵ توله	کبریت ۱۰ توله	براده آهن ۱۰ توله
وزن انار سمن کل	شوره ۲۰ توله	انگشت ۵ توله	کبریت ۵ توله	براده فولاد ۵ توله
وزن کلنار	شوره ۱۰ توله	انگشت ۲ توله	کبریت ۴ توله	شجره سوده براده فولاد ۴ توله
وزن جبار	شوره ۱۵ توله	انگشت ۷ توله	کبریت ۷ توله	براده فولاد ۷ توله
وزن پروین	شوره ۳ توله	انگشت ۱ توله	کبریت ۷ توله	شرباب ۴ توله براده فولاد ۴ توله
وزن صدف برکت	شوره ۱۴ توله	انگشت ۵ توله	کبریت ۷ توله	بارود و لایتنی براده فولاد ۳ توله
وزن نکار	شوره ۹ توله	انگشت ۵ توله	کبریت ۳ توله	براده فولاد ۳ توله
وزن کل غاطان	شوره ۱۰ توله	انگشت ۳ توله	کبریت ۷ توله	براده فولاد ۵ توله
وزن درخت نور	شوره ۱۳ توله	انگشت ۴ توله	کبریت ۳ توله	براده فولاد ۳ توله
کلرین	شوره ۲۸ توله	انگشت ۲۰ توله	کبریت ۱۰ توله	براده آهن ۸ توله
ایضا کلرین	شوره ۲۸ توله	بارود و لایتنی ۱۴ توله	هر دو را با یک ساسیده	

۸ توله براده آهن شکر بر وزن انگشت کلرین بر وزن ساسیده

ایضا کلرین	شوره ۴ توله	کوکریاک توله	انگشت یک توله	براده آهن ۳ توله
------------	-------------	--------------	---------------	------------------

اوزان ماهتاب

وزن نوری	شوره ۲۸ توله	کوکریاک ۱۰ توله	زرنج ۴ توله	کلی یک توله	کافور شده ۳ توله
وزن ویکر	شوره ۱۵ توله	زرنج ۴ توله	سپیدی ۴ توله	نیل و لایتنی ۳ توله	شجره عمر یک توله
وزن ویکر	شوره ۱۰ توله	کبریت ۴ توله	زرنج یک توله	نیل ۳ توله	کافور شده ۳ توله
وزن ویکر	شوره ۸ توله	کوکریاک ۱۰ توله	شجره ۱۰ توله	کافور شده ۳ توله	
وزن ویکر	شوره ۸ توله	کوکریاک ۱۰ توله	زرنج ۲ توله	زرنج ۴ توله	نیل یک توله
					نیل یک توله

وزن باهتاب زنگار زنگ شوره ۱۰ جزء کوکرد سه نیم جزء زرنیخ نیم جزء نیل ربع جزء
و باید دانست که از زرنیخ و کوکرد زنگ زرد و از آئینش شجره زنگ سرخ و از آئینش طوطیا زنگ سبز حاصل

اوزان هوایی و چرخ و موشک و غیره

وزن هوایی	شوره ۴ درم	کبریت ۴ درم	زغال پیچ درم
نوع دیگر	شوره ۱۴ درم	کبریت ۱۰ توله	زغال سه توله
نوع دیگر	شوره ۳۴ توله	کوکرد ۴ توله	زغال ۹ توله
وزن درخت	شوره ۲۵ توله	کوکرد ۸ جزء	براده فولاد ۱۸ جزء
الغت	شوره ۱۰ جزء	کوکرد ۳ جزء	زغال ۳ جزء
وزن شاخ	شوره ۱۴ جزء	کوکرد ۲ جزء	زغال ۱۴ جزء
الغت	شوره ۱۵ درم	کوکرد ۲ درم	زغال ۵ درم
وزن چرخ	شوره ۳ توله	کبریت ۲ توله	زغال ۶ توله
وزن کلزار	شوره ۹ توله	کوکرد یک توله	زغال ۱ توله
وزن کله سته	شوره ۱۶ توله	کوکرد ۴ توله	زغال ۶ توله
وزن بندی	شوره ۱۸ توله	کبریت ۳ توله	زغال ۲ توله
وزن موشک	شوره ۲۱ توله	کبریت ۴ توله	زغال ۲ توله
وزن درخت کل	شوره ۳۲ توله	کوکرد ۱ توله	زغال ۱۰ توله
درخت در افشان	شوره ۹ توله	کبریت ۴ توله	زغال ۶ توله
بارود که بکار تفنگ میرد	شوره ۲ توله	کبریت ۱۰ توله	زغال ۶ توله
الغت	شوره ۵ توله	کوکرد ۹ توله	زغال یک توله
الغت	شوره ۳۲ توله	کوکرد ۱۰ توله	زغال ۱۰ توله

مخفی سباد که در جمعه تشبازی و بارود سازی می باید که زغال خفیف الوزن سبک بسم باشد مثل
زغال چوب درخت بیدانجیر و زقوم و امثال آن و شوره بنگالی باشد که در سوختن نیز آید باشد و
فصله آن باقی نمی ماند و آهن شتم سیر سفید و شفاف باریک سوهان شده بهتر است و برای کلر نیز آهن شتم
سیر خام باشد یا چغته سفید زنگ باریک سود و بکار می آید و حسب اینجی مخلوط شوند که بچشم گردد

سرخ معمول ایل پور

مخفی میباد که سه جزء در جمله اقسام تشبازی اصل اصول است شوره زربخ زغال و باین سه جزء
سولس آیین و فولاد و مس و روی و قیر و کافور و لایکو پودیم آمیخته میشود و باید و هست که براده
آیین قدر طویل بشکل الف و تخم بالنگو خواهد شد بمقتدر صاف و سفید و روشن شراره و و کل پیدا
خواهد شد و آیین پس و روی و قیر و این سه صاف و شفاف میسباید که اصلاً در آن رنگ نباشد و آیین
که در یورپ مذاب کرد و از آن آلات آیین و ککوله قوب میریزند برای تشبازی از دیگر آیین بهتر است
موج غار و شنی میدهد و براده مس سبزی مایل فرسخ میدهد و براده روی قویا نیلگون و
المنقریات افشانی منی از روی قویا کمرنگ آسمانی میدهد و لا در این دخان زیاد میشود که باقی میماند
نمک از هر سه زرد رنگ جلوه میدهد و نمک نهایت خشک متخل می شود و دوده که دروغن کنج فقیه پنبه گذاشته
چراغ افروخته بقاعده معروف گرفته میشود و این قسم دوده برای مدا و مخصوص است اگر در بارود آمیخته
باستعمال آند سرخ کون رنگ میشود و با شوره قدری زیاد با استعمال او زبان که رنگ میدهد و
برای ساختن بارود طارنک هم بکار می آید یوسیانند یا کاستنک میکا خنوع طلائی می بخشد و زنجار
نخیف سبز رنگ و ساقیت اف کا پرو سال امونیاک سبز رنگ میدهد و از کافور شعله بر آق
ظاهر میشود و بوی آن بوی دیگر اجزاء را معدوم می نماید و برای بوی خوش بنزد آیین و استوار
هم بکار می آید و لای کو پودیم در صورت کلابی ظاهر مینماید و میسباید که در باون هرگز بارود نگویند
که زود آتش میگیرد و علاوه بر این آیین رنگ زربخ را خراب می نماید برای آله کو بدن از بربخ
یا مس میباید که ضرر ندارد طریق ساختن شوره بهادند خاکهای زمین شود و اگر بعلت
شوریت سفید شده باشد در ظرفی ریخته آب بر سر نهند و آن خاک را آب مخلوط کنند تا یکدات شود پس
بخش بگذارند که در ده نشین شود و آب زلال را در ظرفی دیگر کنند و بخت بگذارند شوره می بندد
پس آن شوره را بار دیگر در پاتیا ریخته و آب بر سرش انداخته با آتش بنزد و جوش دهند و کف که بر سر
آورد و رکنند پس آن آب را در ظرف سفالین بر کنند قلمهای شوره بسته شود و شوره دوباره مراد
همین است و اگر نیز برین طریق مکرر با آتش جوش دهند شوره سه باره شود و از سفیدی بهیضه مرغ شوره صاف
و پاکیزه شود چون بحالت جوش قدری در آن اندازند همه کثافتها را بگیرد پس آن آب را جامه بنیزد و
بقالبها اندازند قلمهای شوره بسته شود طریق ساختن بارود عیار بارود الکریزی جهت جنگ
شوره هفتاد و پنج توله کو کرده توله زغال با نرود و توله عیار بارود چن شوره هفتاد و پنج توله
و نیم کو کرده چهارده توله و ربع زغال نه توله و سه ربع عیار بارود روسی شوره هفتاد و پنج توله

گو کرد یازده توله و نیم زغال سیده توله و نیم عیار بارود فرنج جبهه شکار شوره هفتاد و شش توله و سه
 ربع گو کرد نه توله و نیم زغال سیده توله و باید دانست که در ولایت آسین گداخته تفنگ و توپ و
 جمله آلات آسین میریزید و در ساخت تفنگ و اشیاء دیگر صنعت انگریزی و فرانسوی فرق است
 قلند صنعت کران باوزان مختلف برای تفنگ هر جا بارود میسازند و برای این بارود هاشور
 نهایت عمده میباشد و قاعده استعمال آن طبیعت که آنرا قدری خم نموده با اجزای دیگر مخلوط
 می کنند و کبریت نیز صاف و باریک سوده و میکند و زغال از چوب بسیار نرم که خاکسترش
 کمتر میشود بکار میبرند و این خال از چوب سن و یاریشه گتان و یا پارچه کهنه رشته گتان هتیا میسازند
 اول گو کرد را جو کو ب نموده در ظرف آهنی انداخته چار ساعت بخوبی میسازند بعد از آن ظرف
 بیرون آورده در ظرف چرم با گو کرد مذکور شوره آینه اندازند باز آن ظرف چرم را تا چهار
 ساعت بسرعت چنان حرکت میدهند که در یک دقیقه قدری مرتبه بگردش آید و بسیار خیال
 داشتن این امر ضرور است که وزن اجزا بارود چنانچه مذکور شده است برابر باشد عمده یکی
 و خوبی آن در صحت و وزن متصور است پس هرگاه اینهمه اجزا بهم شوند انگاه اندک از آب خم
 داده مانند آرد خمیر کرده و مثل قرص نان پهن کنند و آنرا از نوک کار در چهار خانه مخطوط کرده و
 در غربال آسین اندازند و بیزند باز در یک پلیه ریخته زود حرکت دهند ازین صفت دانند و
 و مجتلا میشوند باز در گرمی شصت و شش درجه تا گرمی یکصد و چهل درجه بتدریج خشک میکنند

بیان دو قسم در تسهیای مرکب که عبارت از دواست

خستین نسخه معمولی نامی از مرکب فروشان بند و ستان بنویسیم بعد از آن آنچه از ابل یوپ
 است تحریر میکنیم صمغ عربی در آب برک خنثا نمایند بعد یکروز دوده در آب مذکور آینه کلوله
 آن بر سندان بگذارند و باد شده یا تیشه آسین بگویند تا یکایک بم گردد و قریب خشک شدن رسد
 آنوقت بقدر یک سرخ کشته خشک نمایند دوده و صمغ هموزن است و خنای خشک ساییده
 را یک شب در آب می خیسانند صبح آب زلال آن که سرخ پیدا شد گرفته بکار میبرند

دوا سیاه معمولی ابل یوپ

ماز و جو کو ب یک رطل در ده رطل آب بسیار گرم اندازند و سوم حقه آب سلنیت اف ایران آینه
 بوسه او نش صمغ عربی در آب حل نموده و قدری قر قفل جو کو ب با چند قطره کریو سیوت اندازند یا
 گیار بالک اسد را در لیته اسپرت گداخته آینه اند و اگر ماز و ۲ ساعت در آب گذارده بعد از پارچه

نسخه مرکب

پرون نموده اجزای دیگر در آن مخلوط کنند بهتر خواهد بود نوع دیگر - مازو جو کوب دو از ده گون
در پانصد توله آب سرد و یک هفته بگذارند سلفیت اف ایرن شش و نل گرفته در آب مذاب ساخته بیامیزند
باز شش اونس صمغ عربی را در آب حل کرده بیامیزند و پنج شش قطره که ریوسوت در آن چکانند و اگر خواستند
که مداد بسیار سیاه گردد مازو بریان نموده باستعمال آرد و با احتیاط بریان کنند که هنوز در زمان

مرکب باغبانان

کلوریت اف پلاتینم دو درم را در یک شیشه آب ریخته و بن آرا گرفته بگذارند و از قلم پر که بدان انگیز
نوشته میشود بر لوح جت بنویسند حروف سیاه پیدا خواهد شد و از آب محو نخواهد شد باین اسم
اشجار در ولایت باغبانان نوشته در اشجار می‌اویند نسخه مرکب بجهت چاپ
در شش ربع شیشه مرکب که رنگش سیاه مجلا باشد یکت و نل نبات مهینند و بکار برند نوع دیگر
اکسیر کیتاف لاک از سی کین کرشل سودا هفت کین آب خالص نیم اونس بهم آمیخته اند بچو شانند
که همه اجزای بهم که اخته شود بعد کلیدین می‌گیرند و میستاف تماش در آب که اخته و چهار کین صمغ
عربی را با یک سائیده بیامیزند کاغذ نوشته این مرکب را از پریس در شکنجه کشیدن حاجت میشود
بلکه بر کاغذ نوشته بر آن یک کاغذ ساده نهاده کار ده که بآن کاغذ می‌زنند بالایش

بکشند کانی فرو خواهد آمد اصفا بلو ابویوکیا لکس گرم ناخورد و چهار و نیم اونس قرقرقل جو
کوب یک درم و قرابه که در آن گنجایش پنجاه اونس آب باشد این بر دو را با چهل اونس آب سرد
در آن بریزند و تا دو هفته بگذارند و بر روز ساعتی او را بچسب بمانند که دو هفته نشیند و بچسب قرابه و دیگر که
مسادی بود بر دهن آن کاغذی که جته صافی مخصوص و محروفت نهاده و دارا در آن ریخته صاف
کنند و هر قدر رقتله آن باشد در پارچه ریخته سفینه و از صافی کاغذ گذرانند و در قرابه بریزند
باز یک اونس و نیم سلفیت اف ایرن را در آب که اخته از کاغذ صافی مذکور صاف نموده بیامیزند
و تیزاب کبریت که خالص باشد در پیاله آبکینه که برای تحریقات در شفا خانهای انگریزی میباشد
سی و پنج مینم وزن نموده بیامیزند و زود زود بچسب بمانند و ربع اونس سلفیت اف اندکوشا مل کرده
ساعتی بدون فاصله بچسب بمانند تا تمام اجزای مخلوط شوند ازین مداد بلو بایاک نوشته میشود و اگر خواستند
که برای فرو و آوردن کانی همین مداد بکار آید مازو چهار اونس و نیم دو که در آغاز نسخه مرقوم است
پنج اونس و نیم بچسبند و میسباید که از آب قطره یا آب باران این مرکب را بازنند مرکب زنگار سرخ
در یک شیشه سه که برازل او چهار اونس سائیده و بهم آمیخته بچو شانند هرگاه به سه که بسوزد از

او باغ فرد آورده در پارچه صاف نمایند و در آن سه او نش سفوف را کالم بیا میرند و بکار برند
نورع و دیگر برازل او دو حصه شب یافنی نیم حصه کریم اف تار نیم حصه آب اع حصه بهم
میخت بچو شانند هرگاه نیمه آب باقی ماند در پارچه صاف کرده نیم حصه صمغ اضافه نموده بکار
برند

مرکب سبز و سیاه

کمالینس جو کوب پانزده حصه در آب خالص دو صد جزء تانیخت بچو شانند بعد در پارچه صاف
نموده سلفیت اف ایرن پنج جزء براده آهن ۴ جزء در آن مخلوط سازند و نیم پانیت سلیوش نیل شده
ساکه با سله حصه سلفر کاسد ساخته باشند شامل کرده این مرکب وقت نوشتن سبز معلوم میشود
و چون خشک می گردد سیاه میشود و بیا روان میباشد نورع و دیگر کالسا شید هیونا تیریت
اف کردم بقدر حاجت در آب آمیزند و بنویسند نورع و دیگر خالص بلو و زرد مداد را بقدر
انداز و مخلوط کرده بنویسند مرکب رنگ آبی سلفیت اف اندک سه او نش در یک
لکن آب خالص اندازند تا بگذارد و بایک او نش اگر الکاسد و دو او نش عمده پریشان بلو در یک شیشه
آب حل کنند و اول در پریشان بلو که جزء آهن در آن زیاده است آنرا از منزل اسد و در کرده و از آب
باران یا آب قطر و شستن لازم است نورع و دیگر چنانچه بلو دو او نش آب کرم جو شید و کیشید
اگر الکاسد یک او نش اول چایر بلو را در آب گذارده بعد در آن اسد آمیزند فی الفور مداد سبز می شود

مداد سیاه

پارن استرپ را با کاشیک کالی دروت گذاخته در ظرف آهن بچو شانند تا قوام گردد و مقابل آن
آب کرم بریزند و جلد آب شب یافنی آمیخته خشک نمایند بعد از آن سائید و در آب صمغ آمیخته در
قالب ریخته یارده یارده سازند و اگر خواهند که خشک گردد و چند قطره روغن مشک در آن داخل کنند

مداد نیلگون

سلفیت اف اندک و در آب مثل شربت گذاشته مرکب نمایند و اگر رنگ کم خواهند اندک چایر میزند

سفوف مداد اسودا

سلفیت اف ایرن دو جزء مانو پنج جزء صمغ یک جزء و نیمه رایجی سائیده سفوف سازند و
یکت او نش در یک یک کاغذ پیچند و از یک او نش این سفوف نیم شیشه مداد درست خواهد شد

مداد چینی

دو و چهارغ را در آب پتاش کم زور حل کنند چون خوب حل شود و مثل شیر و گرد اندک آب پتاش بالا

جل غریب

ریزند و در فلتر صاف نمایند باز چند دفعه با آب شسته خشک کنند بعد آن دودۀ خشک شده را در یک ظرف
 بند و گاه اگرین یا ایرشش با آب کرم خوب خیسانیده و آیمخته که مثل شربت شود و دودۀ انداخته
 خوب حل نمایند چند قطره پس از آن مسک و اسنس اف امبرگرین مخلوط کرده بکار برند نوع دیگر
 مداو چینی دودۀ هفتاد و پنج جزء آب صمغ غلیظ یا زرد و جزء مداد کم رنگ پنجاه جزء برک درخت
 پیل دوازده جزء بهر دبا هم حل کنند چون قابل نوشتن گردد بکار برند باید دانست که درخت پیل از
 انجار پند است شاید دایران نباشد و این در هند معروف است نینب سخت پوست میشود و مغز آن زرد
 رنگ با تخم مخلوط بر می آید و اغلب برای دفع سعال می دهند و شیرین می باشد مداو هندی
 دودۀ راد آب ایر فلکاس حل کنند و اقراض مانتیه و نق طلا یا نقره بر آن بپنجد و بکار برند و بدانند که اگر
 از سردی در مداد در کاغذ سپاهی پهن شود قدری الگو بال یعنی جوهر شراب در نیم شیشه آب آیمخته بقدر
 نصف او نش روغن شتر نفل در آن ریخته حرکت بدهند و از آن چنان قطره یا زیاده بقدر حاجت در مداد در
 ازین آیمزش کاپی مداو خراب نمیشود و اگر دهنیت در مداد باشد تدریجاً دور گردن آن این است که
 برک پیل در قدری سرکه حل نموده در مداد میزنند مداو پنجه رنگ برای ثبت نمودن مهر که از سیب آب
 رنگش متغیر نمیشود کوپل مسحوق ۲۵ جزء ایل آن لونار دو صد جزء و دودۀ دو جزو نیل یک جزء با هم کد
 و آیمخته بکار برند ایضا نوع دیگر سخالتم یک جزء دودۀ لاج جزء بهم مخلوط نموده مصطفی نمایند
 روشن السی که برای مداو مخاطب درست کرده شود یک جزء نیم در آن ریازند و بچو شانند بطوریکه مثل شربت
 شکر غلیظ شود اسپرت اف تر پتائین چهار جزء بیا میزند و اگر قدری کم تر پتاین در آن آیمزند بهتر است
 و بکار و ثبت نمودن برند مداو مخصوص برای نشان نمودن بر باد چه جویش و سوا
 نیم شیشه صمغ نیم او نش بهم آیمخته بکار برند این نایتیریت اف سلوریک جزء آب خالص شش جزء
 صمغ یک و نیم جزء بهم آیمزند و کراوند اگر غلیظ لقوام شود آب کرم اضافه نمایند

مستدرک

مداو سرخ برای فم نمودن

در میلین چار جزء سلفیت اف ایرن یک جزء روغن بقدر حاجت رنگ سرخ که پسند خاطر باشد بهم
 و بکار برند مداو سبز گریم اف تارتریک جزء زنگار دو جزء آب خالص یک جزء بهم آیمخته جو شانند و بکار
 مداو که بعد از نوشتن سوا و آن روز افزون گردد

مازو دواو نش تینک دواو نش سوماک دواو نش آب یک شیشه و نیم بهم آیمخته بچو شانند تا یک شیشه بماند
 مصطفی نموده سراسر کیش او نش بیا میزند و زهره کاو و آن را باید خوب در شیشه کرد و بجا نماند و درین شیشه را

نموده باز در وقت حاجت بکار برند اینها پینک چهار جزء باز و یک جزء آب دوازده جزء سلفیت
اف پرو توکیا فایرین یک جزء هر سه جزء اول را تا یک ساعت بچوشانند بعد کزاده سرد نمایند و از این
بیرون نموده سلفیت پرو توکیا فایرین انداخته فی الفور در شیشه کرده سر آنرا گرفته بگذارند

مداوای انگریزی

ایک اود یعنی چوب پینک را در آب بقدر دو شیشه خوب بچوشانند و آبش را بگیرند بعد یکرطل و نیم
بلوکیاس جو کوکوشش او و سلفیت ایرین یک و نعل اسیدت اف کا پرشش او و من باریک سوده دوازده
او و نس صمغ امغیلان اضافه نموده بچوشانند بگذارند تا رنگش سیاه گردد بعد بکار برند

اینها مداوای انگریزی شرح

برازل اود جو کوک چهار او و نس در یک شیشه آب روی آتش گذارند و بچوشانند تا ملت شود شب یانی دو
درم سائیده در آن ریخته مخلوط کنند بعد بگذارند تا سرد شود آنوقت در پارچه صاف نمایند و قدری الی الی بپینک
بیامیزند و بکار برند مرکب طلا برای جدول کتب و غیره و زینخ طبعی چهار قوطی
ورق طلا چهار عدد و طباشیر کبود سته ماشه زرد و تخم مرغ چهار قوطی همه را خوب سائیده اندک آب گرم در آن
بریزند و بیامیزند و ساعتی نگذارند که دو آه نشیند و آب صاف بالا قرار گیرد آهسته آهسته آب مذکور بریزند
تا یک است بهفته آب صمغ یلاس حل نموده در شیشه ریخته چهار روز در آفتاب نگذارند و بعد از آن بکار برند

مداوای ترکیب اصل

دو دچراغ که پاک باشد و مثقال صمغ امغیلان چهار مثقال مار قشیا سوخته پنج مثقال زکار تله مثقال
نمک دو مثقال صبر سقوی دو مثقال اینها را سوای صمغ و مار قشیا در سخته سنگ سماق یا سنگ دیگر که
سخت باشد اندازند و در صد درم آب ده درم صمغ گذارند و این را کم کم ریخته تا چهار پنج روز بچوشانند و
مار قشیا سوخته بیامیزند و باز هر قدر که اول حل کرده اند همان قدر بیامیزند این مداوایست روان میشود و باید
دانست که عده ترکیب گرفتن دو دچراغ بچه طریق است از تنقیر معیان و معمول است که روغن
بزرگتان که آنرا بزبان ایل هند الی کوپندیا روغن کچور و پیاله کلی کبرای چراغ افروختن معمول مخصوص است پر
نموده فیتله از پارچه سفید ساخته روشن کنند و هر قدر فیتله بکار باشد دوده زیاد حاصل خواهد شد و روی
آن چسبند و یک پیاله بزرگ چنان وارون نمایند که هوا بند نشود و چراغ خاموش نگردد بعد از ساعتی
که دوده در قعر کاسه بیا بر جمع شده آهسته برداشته بیا بر مرغ یا بر کبوتر دوده را از ظرف جدا نموده
در ظرف چینی یا کلی یا شیشه پس بسته نگذارند که کرد و بخار بان نرسد بدین طریق دوده را بگیرند و اگر دریا

فتیله پر بای نایوس صفا و در بهر چه چیده و فیتله ساخته چراغ روشن خواهند کرد مداد و صمغ نمائید شود و در
سواد الواح سبز کون میداد خواهد شد و اگر اتفاقاً دوده کل یا خیار و غیره افتد در کاسه آب پر کرده و دوده
را در آب ریزند و بخار و کفی که دارد بپاشند و دوده خالص روی آب خواهد ماند و آنرا آبست بر
دارند و طریق دور کردن و سوسمت از دوده اینست که دوده را در کاغذ صمغ و خمیر آرد و در آن مثل کرد و آنرا
پهن نموده و پیچیده دوده را در آن بنهند و آن را روی خشتی گذارند و بر سوزن گرم یا خاکستر گرم نهند که
مثل نان بپخته شود و وقت کلاه را شکسته پیچیده دوده را بپردن بیاورند و سوسمت زایل خواهد شد

مداد سرخ

کات بندی سرخ ابدار خوب است جز بخی خوب که بنار سی شکار می کنند نصف جز صبر ربع جز پیریکش را
جدا جدا که فته شب در آب صاف بخیانند و صمغ در ظرف مس یا برنج کرده اول آب کات را گرم نمایند چون
بجوشد آب شکار و آب صبر را بتدریج در آن ریزند و با کفچه پیچیده را آمیخته تا قوام آید و قابل نوشتن گردد و آنوقت آنرا
با پارچه صاف کنند و بکار برند مداد طلایی ورق طلایی ۲۴ عدد صمغ طلایی و صمغ چوبی و شراب یعنی
اسپریت سی قطره شده خالص سی کربن صمغ عربی چار درم آب باران یا آب قطره چهار و صمغ اول طلایی
و صمغ حل نمایند باز آب و اسپریت شامل کنند پسینت بلور و شنای استیغین
کامین پرشین بلور اول در سبک است که تیز باشد تر کنند و باز چند قطره آب شسته خشک نمایند باین
طریق این دورا در اگر الک است خوب که داخته میشود بعد شش حصه پرشین بلور در یک حصه اگر الک است
تر کنند و آب بقدر کفاف بتدریج ریخته آن وقت بکار برند

سرخ مینت روشنای استیغین

آنیک کامین بود ایتس یا کابولیت اف امونیا که فته المضاعف صمغ کرب و در کل کم که در آن اندازند
چنانچه جوشتن آن تمام شود آنرا با پارچه صاف کنند و نیم حصه اگر کت اف الوید شامل نمایند و بعد از
سرو شدن بقدر کفایت که پسینت سائیده در آن آمیزند و بعد از ۲۴ ساعت و با پارچه صاف نمایند و در
خواهد شد و مخفی مباد که این پیوسته مذکور فوق بعضی اجازت ساختن ندارد و است واحدی در ظلم و الحریزی اگر بار
مجرم و مقصر خواهد شد ترکیب مداد و چاب نمون کتب جز اول روغن بندگمان
است این روغن را چندان بر تیش بپاشند که خود بخود آتش گیر و در کاه چسبند شود و در خط که بخواهد
سوزد و روغن را بپوشد و خشک که از روغن آمده است موقوف خواهد شد و در خط که روغن را صاف
کنند در آن از نصف ظرف روغن را زیاد بکنند و این روغن را تا وقتیکه خوب بپخته نمی شود بکار مداد طبع

کتب نمی آید جزو دوم از اجزای این مدا بلیک روزن است برای ساختن مدا طبع استعمال
 این ضرور است که هرگاه بوجه اتم روغن بزرگمان نخسته و سوخته گردد بلیک روزن را در آن بگذرانند تا هر دو
 اجزاء بهم یک جسم شوند مانند بالسم میشود جزو سوم هم صابون است اگر این نباشد مدا در روان نمیشود
 و حروف هرگز برابر طبع نمیشود و صابون رال برای مدا سیاه خوب میباشد و برای مدا سفید
 و رنگهای نازک و باندیت کرسوپ بکار می آید و از زیاد شدن صابون مدا دزد و خشک نمیشود پس
 انداز که در اندک روغن نامی با صفا و روان باشد جزو چهارم این مدا دود و است
 و حی تنیل لیا مریب بلاک بکار ساختن این مدا می آید جزو پنجم ایوری بلاک یعنی علاج سوخته ها
 و زنی میب باشد و در مدا طبع ثانی اندک سائیده بیا میزند از آن بر چوب حروف پنجگی طبع می شود
 جزو ششم نیل یا پرشین بلو میوزن اندک اندک با نخل اولون مدا را صاف میکند یا اندک اندک زرد
 با نیل و پرشین بلو سائیده و بیا میزند که رنگ سیاه مجلا گردد و فایده وقت نخست روغن هرگاه از روغن
 بخار بر آمدن شش و ع شود پاره کاغذ از نوک سیخ چوبی بسته کنارش داده با سطح روغن بهم نمایند تا روغن
 مشعل شود و روغن را همچنان بر آتش بدارند که بخار آن تمام شود آنوقت از روی آتش بر زمین نهند که قوام نگیرد
 آنجا از نوک کار و روغن را اندک بردارند و چون سرد گردد با انگشت از وجبت روغن را ملاحظه نمایند اگر
 بقدر رازی یک بند انگشت تا قوام بد نماید بدانند که روغن درست شده بهین طریق دو قسم روغن که
 در قوام آن تفاوت کمی و بیش بود درست کنند که از آمیزش این دو قسم هیچ مختلف درست خواهد شد آنچه
 در هوای گرم بکار می آید قوام آن در سردی زیاد غلیظ میشود برای خطابی بسیار غلیظ قوام بکار نمی آید
 چنانکه برای خط خفی در کار میب باشد و در شش شیشه این روغن شش رطل روزن و قیتیکه کف روغن بنفشه
 اندک اندک بیا میزند و بجزر که داخته روزن یک رطل و سه ربع رطل بر او ن سوپ پاره پاره کرده به
 است با طتام و اهل ما از دیگر که در صابون جزو آب موجود است و وقت انداختن و آمیزش نمودن
 در روغن جوش پیدا میشود و روزن و صابون را با سیخ آهن خوب مزوج کنند و ظرف را روی آتش
 گذارند تا همه اجزاء یک جسم شوند و نیل سائیده و پرشین بلو پر یک دو اونس و نیم گرفته و در ظرف
 کالی که در آن مدا بچند گذارند و دوده انگشت و لایقی چهار رطل و اگر دوده قتم خوب ترین چوب باشد سه
 رطل و نیم شامل آن کنند بعد از آن که قوام با است کل بیا میزند که بهیم بچم گردد بعد از آن نخست آنرا در مسطحه
 بزرگ کرده خوب سائیده که باریک و نرم شود و بزرگ دیگر با لکم اف کاپی وی لئه اولس دوده
 سه اونس و نیم پرشین بلو هر دو یک اونس و یک ربع اندک زرد رطل و سه ربع اونس و یک ربع اونس سوپ خشک شده

اوشن همه ناباریک بماند اینم از اقام خوب مداولت از برای چاپ نمودن و اگر مداولت را سرخ یا رنگ
دیگر ساختن منوط باشد بر چخته روغن بزرگتان بجای دوده از رنگهای الوان هر چند پسند باشد یا نیزند

نسخه مداوله از دست نوشته بر سنگ طبع نمایند

در ظرف مس یا آهن که سر پوش دارد باشد روغن بزرگتان را بقسمی صاف کنند که کاغذ آخر و ختمه بر سطح
روغن چون ملحق کنند روغن شعله دهد و بگوام آید انگاه با نوک کار و قدری بر داشته سرد کرده قدری
را با دو انگشت بگیرد و بر دو انگشت باهم چسباند باز نمایند به بسیند چنانکه پوشی که در سابق ذکر شد
توام آمده شعله آتش را از آن باز دارند تا سرد شود و پوشیده نمایند که چنان روغن مداوله در خانه کف
محل خط است کجالت حسیط اخیل را باید خود و روغن را بسیار غلیظ نمایند که در این روغن
کیا لکساید پارس الیایک بر قدر باریک سربه را آمیخته شود بهتر خواهد بود و اسلام

ترکیب مداوله برای چاپ کردن و از دست نوشته صرف را

روی سنگ و حمل نمودن

با سنگ آن تیرس است اوشن شیل لاک دوازده اوشن و ایش بر تپان این یکاوشن بهم آمیخته یکدیگر را
موم و شش اوشن تیا لوبهم پسندند تا یک جسم شود پارهای سخت تیا لوبسب شامل کرده و با چهار اوشن دوده
را آمیخته حل کنند و بگذارند قدری سرد شده یعنی شیر کرم آنوقت در قالب ریخته قرص نمایند و چون خواهند
که بر کاغذ کاپی نویسند در آب قطره یا آب باران پاره از این مداوله انداخته بر آتش کرم کرده بکار برند

نوع دیگر

حبابون سفید ۲۵ جز موم سفید ۲۵ جز بلیه بر که در حوالی کرده میسب باشد شش جز صندلی رومی ده جز
شیل لاک ده جز همه را در ظرف مس یا آهن در آتش نرم جوش دهند که بهمه اجزاء یکجسم شوند انگاه فایک دو باشد
از آن را با ظرف آبگینه برداشته ملاحظه نمایند که توام آمده یا نیامده است و دواچه همزه و ج شده بگیرد
و رنگ آن بایل بر خشی است آنوقت آتش آنرا شعله کنند و بعد از چند دقیقه از خط سرش بپوشند
و اخیل را دوشه بار نمایند بعد در ظرف بزرگی مثل خنجر ریخته سرد نموده پاره پاره از نوک کار و نموده بردارند
و بگذارند وقت نوشتن کاپی بقدر حاجت گرفته در آب کرم جوشیده انداخته قدری روی آتش نهند
تا بجز شود بعد از روی آتش برداشته صاف کرده بر کاغذ کاپی که ترکیبش تحریر گردیده است بنویسند
و صرف پریده که از بالای سنگ چاپ زایل میشوند ازین مداوله درست نمایند پوشیده نمایند که حاصل

Handwritten note in Persian script on the right margin.

اجزای این قسم مداد شش جز بهت سوم و لاک و صابون چهارم دو و چراغ برای لون سیاه است
و سواى این ادویه دیگر به کمی یا زیادى اوزان نخستین آدم تجربه کار خستیار دارد اجزای مداد مذکور و
مانند صابون و موم سیاه شلک و موم هموزن و صابون لغزش آن گرفته مطابق ترکیب وضع ذکر سابق
پسند و بقدر حاجت دود و در آن بریزند و بقسم سابق الذکر مداد درست کنند و بعد از خشک شدن سخت
مثل باره زغال میشود و لهذا باید که به آتش قدری گرم کرده با کار دپار و پار کنند و در آب جوش انداخته
تا مخلوط گردد و بعد با پارچه صاف نموده بنویسند و سنگ چاپ را با محلول گرم کردن بهتر است و از این
مداد اگر بر کاغذ یک سطر بردارند و سطر دیگر بر او آنگاه نوشته شود با کمال نیت برابر حروف روی سنگ ثبت خواهد شد

ترکیب ابار کاغذ کالی

صمغ عربی دو جز استارچ شش جز شکر یکانی یک جز و هر سه با جدا جدا آب گرم سولوشن بسازند و بنمایند
و چون شیر گرم شود بر کاغذ ابار نمایند و بعد از خشک شدن ملاحظه کنند اگر جای لکه سفید بر کاغذ باشد صمغ
کنند و بر کاغذ دست کشیده و هموار نمایند و طریق دیگر نیت که اول دست با آب سرد تر کرده و بر کاغذ
کشند که صفت کاغذ نرم شود و بعد سولوشن ریون چینی و دانه نیت و استارچ بر آن بطریق ابار نمایند و خشک
نمایند و بر این کاغذ انداد چاپ نوشته پشت کاغذ از سر که یا آب خالص قدری نم کرده بر سنگ فکینند
و زیر چرخ کشیده و بطریق معروف چاپ نمایند ترکیب ساختن کاغذ کالی حبت برداشتن نقشه
کاغذ بالسم و ترنپاتین هموزن بهم آمیخته بر کاغذ سفید تقطع بزرگ میرعت بار کرده خشک نماید

بیان سوه هم بجهل یا نیز و بیان سوه اول شحال سمیت

باید چیز یا چیز دیگر واصل نمودن از دواى مفرد یا مرکب را در انگریزى سمیت میگویند و قاعده استعمال
اینست که اگر دواى پار و ظرف چینی یا شیشه را بهم واصل کردن منظور باشد هر دو را بر آتش خوب گرم کنند و بعد
دواى سمیت را برپرد و لب طلا کرده زود بهم چسبانند و نگاهدارند تا سرد

شود و اگر سرد و پار و که واصل میکنند گرم نباشد واصل ناقص خواهد بود سمیت است ایجا و اهل ارمنیه
چو پریان انجا خانهای ساعت و دیگر اشیاء و زیور را از جوهر ترکیب غریب بر صمغ مینمایند و پارهای
آهن و فولاد و فضوص بلور را باین خوبی می چسبانند که ناوقت متعجب میشود صفت برنجش دانه
صمغ طکی رو می گرفته در جوهر شراب اندازند که بقدر حاجت در فغان باشد چون صمغ طکی در جوهر کدراخته شود
در ظرف دیگر سریش های یعنی اینرنگلاس در آب تر کرده و صمغی نموده بردارند و در شراب و برندی یا قهوه
دیگر که آنرا هم میسبب نمایند بگذارد تا بقدر دوا و اول آب قدری غلیظ طیار شود آنگاه دواى صمغ عربی در آن

انداخته بماند تا که صمغ خوب آمیزش پیدا کند بعد برتش معتدل همه را بیا میزند و در یک شیشه بکشد
 شفاف ریخته خوب بچربانند و دهنش را به بندند و بگذارند وقت استعمال شیشه را در آب جوش نهند و بکار
 برند بر زیور و ظرف طلا و نقره و کجا جواهر منضو و نمودن باشد آنرا خوب صاف و هموار کنند که فضا
 بر آن برابر نشیند و وصل شوند بعد آن شیشی را قدری گرم نمایند و سمیت مذکور را از پارچه این یا خلال
 چوب طلا کنند و فصوص را بنفشه دندان را قدر دو از یاد و باشد از ته کلین در آید و این ترکیب بسیار آسان
 و عمده برای ترصیع است فتنه و دیگر این بکلاس کلیو یک جزء محضکی و از نش کچر باید که کلیو را که انداخته
 در وارش بیا میزند و در شیشه بکشد سفید محکم به بندند وقت استعمال در آب جوشانید و در شیشه نمود و بکار
 بندند

ترکیب دیگر از اهل ارمن

نیم اونس از بکلاس در چهار اونس آب پیست و چهار ساعت بخیا نهند بعد دو کچ آب ریخته روی آتش گذارد و
 و دوا را که در آب گذاشته است در فغان که بالای دهن و کچ میجو شود و دخان آن از دهن و کچ بر می آید
 بنهند تا از گرمی دوا و اونس آب بسوزد و دوا و اونس همانند آنکاو رگنی فایده اسپرت آت و این یعنی جوهر
 شراب بیا میزند و از پارچه صاف کنند و در حالتی که گرمی از دوا زایل نشده باشد دیگر شلیو شش در آن
 اندازند که ترکیب آن نیست محضکی ربع اونس را در رگنی فایده اسپرت آت و اونس بیا میزند و دوا
 نمایند بعد صمغ حامه یک گرم یعنی کم آمونیاک سائیده بهم بیا میزند و چنان بهم بایند که محلول گردد و در این محل
 سرعت نمایند تا اسپرت نپر دیگر کا و این دوا درست شود و در شیشه سفید بلور محض آت و دهن آنرا محکم به بندند
 و بگذارند و پودر شحید و فغان که ملقی کنند اسپرت بهم سجای رگنی فایده اسپرت با استعمال می آید و آن به
 قیمت از آن بنیتر میشود و باید دانست که این بکلاس در ملقی کنند اسپرت چون گذاشته میشود آب غلیظ میگردد
 و در آن بقدر نصف حصه و از نش محضکی بیا میزند و به این ترکیب سمیت خوب می شود و این آسان تر است
 و برای نصب جواهرات سمیت از این آدویه طیار که دوشود

نسخه سمیت سیال ترکیب اهل چین و جاپان

لاک رنگ نارنج کم رنگ چهار اونس در سه اونس رگنی فایده اسپرت در شیشه سفید بلور نهند تا بکاز این سمیت چنانچه
 درست شود و چوب انارایت خوبی وصل میکند تا بحدیکه از جای دیگر شکسته از بنمایند و در ملک چین و جاپان تیره و نیر و را
 بهین طریق بهم چربانند فتنه سمیت که برای واصل پارچه و چه هم بکار می آید
 کتا بر چا چهار اونس اندیا بر یک اونس کچ تا نیم اونس کچیه نیم اونس روغن کتان نیم اونس بهم
 را بهم آمیخته بر آتش بنهند و هنگام استعمال مذاب نمود و بکار برند

نسخه سمینت ترکیب قرنج

و آب صمغ بقدر کفایت که غلظت پیدا کند تاسسته بیایند و گاهی اندک عرق لیموی ترش
به هم می آمیزند و این سمینت بکار فساد می آید که بنحو ابد از علویات و دخت باز د نسخه سمینت برای وصل
شیشه و چوب سیریش چهار اولی و آب بقدر کفایت بگذرانند و چهار اولی قیر سیاه و یک اولی
روان که قندی از کل سرخ است به هم آمیخته بکار برند نسخه سمینت که بر جهازات و غیره طلا کرد
می شود اندین بر یک جز گرفته از مقدارش باریک ریزه نمایند و در آن روغن لفظ و اوزده جز
آمیند و در ظرفی نهاده اندک گرم کنند و ظرف را جذا بنهند و باشند تا آنکه بر و نذاب شود
آفتاب لیسری یعنی مردار شک و اوزده جز شامل کرده و بطور مذکور جذا بنهند تا که همه اجزای یک شود
و بر شک سطح انداخته پس کرده از کار و ریزه ریزه نماید و خشک کند و در وقت ضرورت در ظرفی از آهن
گذاخته طلا نماید بر جانی که مقصود است نسخه سمینت برای وصل آهن
را ل چهار جز موم خالص کچر سفوف خشت پنجه یک جز گرفته بیایند و در جوف دشته شیشه و خنجر
نموده و دنباله تیغ و خنجر و غیره را گرم کرده در آن فرو کنند قورع دیگر پنج چهار جز و آل
چهار جز صبر می گویند و دو جز سفوف خشت پنجه دو جز گرفته به هم آمیخته بکار برند

سمینت برای وصل صدف و عارج

سیریش مایی یک حصه سیریش سفید و سی حصه آب نذاب نمایند بعد از پارچه صاف کرده بر آتش جوش
و بند سیرگاه بقدرش حصه مائی مانند آنگاه سی ام حصه مصطکی گرفته در نصف حصه الکو بال نذاب نمایند
و یک حصه حبس سفید با و آمیخته به هم مخلوط کنند در وقت استعمال اندک گرم نموده بکار برند
سمینت و وصل شیشه سیراکو بید و بر جای شکسته بمالند و هر دو پارچه شکسته را به هم گذارد تا
آهن به بندند و در میان شیر نیم ساعت بچشانند که به هم وصل میشود از آن اندین بر سمینت اندین بر
را از چاقو ریزه کرده و از مقدارش نیم چوب رسته باریک بریزند و در شیشه نموده سه ربع شیشه را خالی گذارند
و بالای آن خود در پنجه بر نمایند در بر خمیر خواهد شد باز تا چند روز و هر روز چند بار جذا بنهند و بایستند تا که مثل
شد کرد و اگر ریزه تا که آخته نشود بارد دیگر قدری خود در آن بریزند و اگر رقیق القوام بایند بطور مذکور
بر بر شامل کنند و از این نذاب بقدر بهشت ماشه یک ربع شیشه سمینت جایا میشود و این سمینت در چند
دقیقه خشک می شود و از سه بار مالیدن بند های چرم و جلد کتب منطبق به هم می چسبد

ترکیب سمینت برای وصل چوب

آبک و جوهر آهن پر و در بار یک سائیده زرد و بهم نمایند و محکم بنده نموده بدارند و وقت حاجت در آب
آمیخته بکار برند **فصل سیمینت برای وصل سنگ مرمر** سنگ آبک را در آب

شبی بمانی هر قدر که در آن جذب شود تر کرده در تور بنزند و سفوف نموده بکارند و وقت استعمال آب
بقدر کفایت آمیخته بجای وصل بالیده زود هر دو باره سنگ را بهم بچسبانند این قسم سیمینت بسیار
سخت میشود و از این سیمینت شیشه و اشیاء فلزات بهم وصل میشود **بنیان چهارم**
و صنعت ساختن سیمینا و شیشه

مینا عبارتست از بلور که در آن استخدا و ذائب کردن باشد و آنرا از خاک فلزات رنگهای گوناگون
میدهند هر کس بخواهد مینا طیار کند اول سرب و قلع پر و در آب بهم بامیزد و در کوره آتش بگذارد و در آن
زمان خاک مثل سرشیر بران پیدا خواهد شد آنرا از چوب بردارند و بکارند و چون بمقدار خواستن جمع
شود و آنرا آب تر کرده بار یک بسایند و در ظرف بزرگی آب ریخته ساعتی بکارند هرگاه اجزای شیش
شود و آنگاه آب را آهسته در ظرف دیگر ریخته و سر آنرا با پارچه صافی بپوشانند و در آفتاب بگذارند تا رطوبت آن
خشک شود و در ظرف دیگر بگذارد و آنوقت آنرا از نوک کار در ظرف جدا کرده بردارند و وزن نموده برابر آن
ریکت در پارچه بپاشند و یک ربع سنگ شود در آن کشند و هر سه را بگذارند این آئینش اصل مینا است
و این را در انگریزی فرت یا فلکس می نامند و ترکیب دیگر شجرف شائزده جزء کل شیشه سه جزء بلور مسحق
و دوازده جزء سنگ چقماق مسحق چهار جزء بهم آمیخته بسیت و چهار ساعت در کوره بر آتش تفت بگذارند
بعد و آب اندازند و باز خشک نمایند و بار یک بسایند و بدارند نام این ترکیب به انگریزی خاک است و با
دانت که مینا شفاف و کثیف دو قسم مینا شد اگر در وقت ساختن کل شیشه زیاده خواهند مینا کثیف
خواهد بود و اگر خواهند بخت مینا شفاف شود ترکیب ساختن سفید مینا قلع خالص و حصه
خاک صفائی سرب که ترکیبش مذکور شد یک حصه بلور خام سه حصه و قدری مینا لکنیس یعنی جستر خوب
سائیده بپاشند و بگذارند هرگاه که آخته شود در آب سرد نمایند و خشک سازند باز بگذارند مینای آبی رنگ
دولید ریکت سفید شوره هر یک دو جزء اگر مینا داف کو بالت یک حصه بطریق معروف سازند

ترکیب سبزه پلینا

فلکس شست و نش یک اسائیداف کایر ربع اولن بهم نموده بگذارند مینا رنگ زرد لیموئی مینای نیکون
و و جزء مینا سیاه یک جزء مینای زرد یک جزء بهم را با هم بگذارند مینا کندی رنگ سنگ چقماق
بار یک سائیده شست جزء دولید شائزده جزء مینا لکنیس پنج جزء بهم نموده بگذارند ترکیب مینا کاری

باید دانست که مینا کاری بر صلا و نقره و مس میشود و بر طلا خوب میشود باید ظرف و زیور که مینا کاری میکنند باید که پاک و مجزا بود و می باید که ظرف یا زیور را همین که کرده بر تخته از آهین نهاده و در کوره نهند و این قدر بداند که مینا که داخته کرده و اگر کار مینا منظور بود از مینمای پر رنگ منقش نمایند و اگر مینا بالوان مختلف میخواهند و از مینایش پاک و در رنگ رنگ مطلوب پیدا میکنند مثلاً از مخلوط نمودن مینای زرد و آبی سبز حاصل میشود و از سبز و نیلگون با دخیانی و سرخ و سفید رنگ پشت کل حاصل میگردد

بیان قسم دروارنش سازی

ترکیب نخستین روغن برای وارنش یک ظرف مسی باین شکل  گرفته بر او جاغ نهند و روغن بزرگمان آفتد و در آن نمایند که بقدر پشت از سه ظرف خالی ماند و تا دو ساعت آتش آهسته آهسته زیر آن افزونند تا روغن گرم شود باز اندک اندک آتش آنرا تند نمایند و بر قدر کف بالای روغن پدید آید از تفکیک بر داشته جدا نمایند و این عمل هم تا سه ساعت کنند باز اندک اندک روغن کل مینا مینمایند سوخته باین حساب که در یک گالن روغن ربع اونس اندازند و یک ساعت آتش تند افزونند که قوام آید بعد از آن ظرف را بنید کرده آتش از زیر آن بردارند بعد بر پوش بامد داشته یک روز و یک شب در آن ظرف را باز دارند بعد از آن در ظرف قلعی روغن را نهند از نو تا سه ماه نهند از نو که کل مینا طیس لعاب روغن را جذب کرده نشین خواهد شد و روغن را صاف نموده نکاهارازند که پایداری و خوشبویی رنگی وارنش در خوبی روغن است و جوهر ترپتن که در این وارنش آمیخته میشود صاف و خالص مینا

ترکیب کوییل وارنش

سندروس مینا رطل گرفته بکازند چون که داخته شود چهار باطلی روغن گرم در آن ریخته و چندان بپزند که قوام آمده باشد آنوقت در آن شش باطلی ترپتن اضافه کنند و قشامینش ترپتن می برد لاکن و او شش شفاف طیار میگردد و وقت مصفی نمودن اگر در وارنش غلطی آید با وقت نقد مناسب ترپتن گرم نموده

وارنش برای خوب و صند و قوام ماری کاری

سندروس هفت رطل کداخته در آن دو باطلی روغن نخته بریزند بعد از چهار پنج دقیقه سه رطل قوام پسند روغن ترپتن در آن بریزند چنانچه این وارنش نجوی درست شود بر برشی که بمالند در دو دقیقه خشک خواهد شد لاکن در چنان باید زیاد است تا نمود که اگر زیاد نخته شود در ترپتن آمیخته نمیشود و این امر از تجربه حاصل شده است قصه سندروس مینا رطل کداخته چهار باطلی روغن نخته در آن آمیزند آهسته آهسته آتش نموده تا چهار ساعت بپزند هرگاه قوام آید و تا برسد رطل و نیم ترپتن شامل

نموده بکار برند **فرسج پالش** اسپرتافین یعنی جوهر شراب ربع باطلی سندروس ربع اولی
صمغ عربی ربع اولی لاک یکا اولی صمغها را کوفته و پخته در اسپرت مذکور آمیزند و وین ظرف را محکم
بند کرده نزدیک آتش گذازند و حرکت دهند تا بهمه که اخته یک جسم خواهد شد بعد از پارچه صاف
نموده در ظرف چینی یا شیشه نموده بدارند و وقت حاجت بکار برند ترکیب **شش ایتیل** یعنی روغن
ماهی که بکار رنگ سازان می آید روغن ماهی که یکصد باطلی مرور سنگ ساینده و دوازده رطل کشته
جست دو رطل همه را بهم آمیخته دو ساعت بپزند بعد سرد نموده صابون سه رطل گذاخته در آن بپا میزند
و روغن نیمه شست باطلی و تربتن دو باطلی شامل نمایند و خوب مخلوط کنند و بکار برند بلا کمک
برای کفشها سه که یک باطلی علاج سوخته یک رطل شکر سفید نیم رطل روغن تویتا نصف اولی
روغن کجد یکا اولی همه را باهم نموده بکار برند این بلا کمک بسیار خوب میشود روغن سیاه برچرم
روغن نیمه یکا باطلی که برانچ اولی اسفنا یکم پنج اولی دود۶ چرخ یکا رطل همه را در جوهر تربتن
رستنی کرده برچرم مانند روغن که کفش را از آسید آب محفوظ دارد روغن نیمه شانزده و جزه جوهر تربتن
و جزه صوم خالص یکم نیمه یکم تربتن و جزه گذاشته مخلوط نمایند و کریم کریم بر کفش بمالند

ترکیب پارچه روغنی

روغن نیمه بیست و پنج جزه صوم خالص دو جزه مرور سنگ دو جزه حب الخراب دو جزه همه را آمیخته برپایه
طلا بمالند و خشک کنند ترکیب دیگر در اندین برابر اندر تربتن اندازند که بر مذاب شود آنگاه همراه
برش دوای مذکور را بر پارچه بکشند بعد در بر تربتن و مرور سنگ یا شکر لید یا ششی دیگر
خشک کنند و آمیخته با دیگر برپایه طلا نمایند و با همه آمیخته بر آن بکشند و خشک کنند
چرمی و اثر پر وقت روغن نیمه شانزده جزه صوم زرد و جزه صمغ درخت صنوبر یکم
تربتن دو جزه همه را بهم آمیخته برچرم بمالند و ارشش چرم ولایتی روغن بزرگمان نیمه در
و ارش جزه اصلی است در آن رنگ لاجوردی و اندک دوده خوب خلط نمایند و برچرم از دست
بمالند و اول چرم را بر یک تخته خوب فرش کنند چون چرم خشک می گردد آنگاه از دست صمغ
دوای مذکور را از رنگ مرور پالش نمایند بعد با دیگر دست میکشند و بجای رنگ لاجورد
پر ششین بلو استعمال نمایند و بار صوم نیز از همان اجزاء رنگ میکشند مگر فرق اینقدر است که
روغن کتان انقدر ریخته می شود که در آن مثل قوام تار پیدا می گردد و در آن پر ششین بلو و دوده خوب شامل
کرده میشود و یا چهارم نیز بطریق سیسم دست برچرم کرده و انید و پاشند و در آن برنگ سیاه و پین

بلونیم رطل و دوده چوب یک باطلی در وارشش می آمیزد و بعضی صباغان اندک انیر وارش نیز اضاف
میکنند و در این چهار بار هر بار چرم را بر آتش از گرمی یکصد و پست درجه اله سیاهی که بآن انداز
گرمی گرفته می آید خشک میکنند و هر مرتبه هر دو می کنند طریق ساختن مو صمغ صمغی
فیر زرد هفتاد رطل چربی که سخت باشد سی و پنج رطل زرد چوب که پدید پنج رطل آرد الو پتاه نه رطل
طریق ساختن آرد الو پتاه این است که پوست آنرا از کار در کشیده و ورق نموده در
آفتاب خشک میکنند و می ساینند مثل آرد می شود این همه را به هم مخلوط نموده بر آتش گذاشته بقوام آورند
و سرد نموده اقراص بندند و هرگاه سرد شد به یک اقراص قدری آرد کنند هم آهسته بمالند و اگر سیاه
عاج اندک در آن آیمخته شود زیاد صاف خواهد شد **بیان ششم** در صنعت نمودن و
شستن پارچه ابریشمی و پشمی اندازه رنگ نمودن پارچه حریر این است که یکصد ذرع پارچه را بهشت
رطل اندازه میکنند پس اگر پارچه حریر باندازه دو صد ذرع و شانزده رطل باشد باین وزن و مقدار
رنگ آنرا می کنند تا تیر و سلفست افایرن یعنی تیراب کو کرو و شور و داده پس آیمخته و درجه گرمی
یکصد و پنجاه طیار کنند و سی دقیقه پارچه را در آن بخیسانند باز سه مرتبه در آب گرم بشویند و بچند رطل
لاک او را طیار جوش داده در یک خم بزرگ از پارچه صاف نموده و یک رطل صابون سفید در آن
بیایند و تا چهل دقیقه آن پارچه را در آن غوطه دهند و افشوده باشند بعد دو بار به آب بشویند رنگ
سیاه خوب خواهد شد رنگ و ابر چینی برای یکصد ذرع پارچه فشک که قسمی از چوب
است که رنگ زرد از آن حاصل میشود و اندازه رطل رنداس سه رطل بار آود و و رطل پیره را جوش
داده اندازه نمایند که گرمی آن تا دو نیت درجه باشد آنوقت پارچه را در آن فرو برند تا به نیت دقیقه
غوطه داده بپزند و به خواشک کنند و در ظرف دیگر قدری تپاس محلول انداخته هر گونه رنگ منظور
باشد یعنی کم و زیاد همانقدر چهار دوش یکپور در آن آیمخته پارچه را یکصد دو بار در آن تر کرده بپشارند
و دو بار از آب خالص شسته خشک نمایند رنگ سیاهی و از برای یکصد ذرع پارچه سه رطل
الماس مصنوعی یا جوهر نیل و شش اونس نکات قلیا به اول پارچه را در آب گرم که در آن سلفک
اسید آیمخته باشد تر کنند و باز از آب یکبار بشویند بعد از آن جوهر نیل طیار نمایند و قلیا برادر آب شمر
گرم بگذارند و در ظرف مس که کافی باشد از آب گرم که حرارت آن بقدر یکصد درجه باشد پر
نمایند و در آن نیل پنج حصه قلیا بپزند و تا پانزده دقیقه پارچه را در آن غوطه دهند بعد بر آورده
از آب سرد بشویند و خشک کنند **رنگ سیاه** برای پارچه کرباسی اگر بوزن چهل رطل

باشد ده رطل خفت را جوش داده و بچند ساعت پارچه را در آن تروارند بعد برآورده بپاشارند و در چهل
درجه گرمی آب استیقت افزایند چهار بار غوطه داده بپوشند و باز سه مرتبه از آب صاف بشویند بعد پشت
رطل لاک او دو یک رطل شک را در آب جوش داده آب صافش در یک ظرف برارند و در آن تاسی و قیقه غوطه
داده بپاشارند و یک رطل زاج گرفته در آب مذاب نموده و دو مرتبه پارچه را در آن ترک کرده و خشک کنند
زنگ سیاه جهت نشیند پارچه را تا دو ساعت در آب باز و جوش دهند بعد چوب بقم کسین را جوش
سیاه خواهد شد ترکیب شستن ابریشم سیاه دو عدد زهره کا و گرفته در آب گرم اندازند بعد قی
گفت در یاد آن آب تر نمایند و هر دو طرف ابریشم سیاه با آن کف دریا که ترک ده اند بکشند که پارچه ترک
و بپاشارند باز تجدید عمل نمایند و در آب گرم انداخته بپاشارند تا پارچه صاف شود آنگاه آن پارچه را بر
تخته گسترده آب نسبتاً آگفت دریا بر پارچه بمالند و از گرمی آتش خشک کنند ترکیب
برداشتن داغ روغن از پارچه ابریشمی و پشمی قدری فوشا گرفته در شانزده حصه آب مذاب نماید
و بجای داغ اندک دنجته با دست بمالند و کاغذ جاذب را زیر و بالای آن پارچه نهاده پاره آهن
گرم نموده بر آن بگردانند کاغذ مذکور روغن را از پارچه بخود جذب خواهد نمود ترکیب شستن
پارچه حریر رنگین در آب جوشیده اندک صابون ریخته باز بجوشانند و کف صابون بالای
آب پدیدار شود آنگاه از آتش برداشته ملاحظه کنند که در آب نیتقدر گرمی بمالند که در آن دست
گردون مکن شود آنگاه در آب پارچه را غرق نمایند و اگر پارچه مضبوط باشد آنرا با دست در آن آب بمالند
و دیگر در آب گرم اندازند و اگر پارچه برنگ زرد یا قرمز یا سیاه یا سرخ باشد در آن آب ثانی قدری
تیزاب طویا و کبریت اندازند که نرزه آب بتیشی بایل گردد و اگر نارنجی یا کبود یا زنگ دیگری بود آب گرم
کافیت و اگر سرخ یا قرمز کم زنگ بود در آب قلع محلول بریزند و آهسته آهسته در جای گرم خشک
نمایند و اگر پارچه برنگ گلانی و خفیف اللون بود بجای تیزاب طویا و قلع محلول عرق لیمو یا ننگ آلود
سفید بکار برند و برای رنگ آسمانی و باد بجای اندک شخار صاف که در انگریز میگویند پیل این میگویند
آمیند تا رنگ بحالت اصلی ماند و طریق شستن مانند قاعده عام است پارچه را که در وقت فشردن آهسته
بپاشارند و در هوا خشک نمایند و باز آب صمغ یا سریش با پی را در آب حل کرده و اندک شخار آهسته بمالند
بر پارچه زنگ سبز نخته اگر یکصد ذره پارچه باشد آب نیل و او نش نیل کاست و در رطل و نیم چوب
آبنوس یک رطل اول آبنوس را با قدری شب یاجانی در آب بجوشانند و آب صافش را در ظرفی بگردانند و در آن نیل
و شب یاجانی را انداخته بپاشارند و پارچه را در رنگ مذکور رنگین نموده از آب شسته در آب نیل و شب

یانی پانزده دقیقه غوطه داده برآند رنگ کاهنجی برای پارچه حریر اگر ده ذرع پارچه باشد فستک
دوازده اونس نیل کاست سه اونس شب یانی سه اونس سلفر کاسد یک اونس و نیم اول فستک را
بجو شانند بعد نیل و شب یانی و اسد در آن آمیزند و پارچه را در آن غوطه دهند تا حسب دلخواه پارچه رنگین
شود رنگ کلانی برای حریر سا فلا در دو رطل و نیم تمام شب در آب بجایانند صبح مالش داد و در
پارچه کرده آنرا بسته در آب انداخته رنگ برآند بعد بپیت باطلی آب در ظرفی ریخته و دو رطل و نیم سودا
در آن شامل کرده چون مذاب شود آنگاه در آن سا فلا برآیند و ساعتی حرکت دهند و باز تا چهل دقیقه
بگذارند و باز از پارچه صاف نموده و پارچه را رنگ نمایند ترکیب سفید نمودن ششم
در آب گرم صابون آینه ششم را در آن اندازند و بشویند چون چنانکه از ایل شود از پنج ساعت تا بیست ساعت
بهر قدر ضرورت و آنرا بنجور کبریت و پند باز شسته در آب نیل و آب سفید کلپ ششم را غوطه داده بار دیگر
و خان کبریت پنج اول دهند و بار ششم باز از آب صابون بشویند سفید خواهد شد و آب صابون بسیار
گرم نباشد ترکیب صاف نمودن قیطان زرمی اول قیطان یا پهنک را از آله استری
برابر باید کرد و در کیشه گمان نداده دوخته تا بیست و چهار ساعت در روغن زیتون بدارند بعد آن کیده را برآورد
در آب صابون تا پانزده دقیقه بجوشانند و در آب بکیرم خوب صاف کنند باز در آب صاف اندک
شیره ذر پنج ریخته کیده را فرو برند و بسته فشرده بر تخته صافی پهن سازند تا خشک شود ترکیب
صاف نمودن پهنک و قیطان زرمی از چوک در آب مراره کاه اندک آب آینه شسته بر پهنک
بمالند همان قیطان و خوش رنگ خواهد شد ترکیب دیگر اسپرت اف دین را گرم نموده از برش
یا گت دریا بران بمالند و صاف کنند بسیار مجلی خواهد شد

بیان هفتم در صابون سازی

صابون که بکار بستن پارچه می آید و کازران بخار یک جز آبک نصف جزء پرو و بار یک ساخته
و در یک حوض اندازند که مخصوص برای ساختن صابون تهیه کرده میشود و پائین این حوض حوضی دیگر
مسبب باشد و در حوض اول یکسورخ مسبب باشد تا آب زلال از حوض اول در حوض دیگر و مسبب باید که
سورخ حوض اول را محکم بند نمایند بعد شیار و آبک مسح را در حوض ریخته بعد پنج حصه آب صاف که از دریا باشد
در آن بریزند و تا دو ساعت خوب بمایزند و بگذارند چون شیار و آبک ته نشین شود و آب زلال بالا آید
آنوقت صغذ آب را بکشایند و آب زلال در حوض دیگر بکشد و آب را در یک ظرف نگهدارند و سورخ را محکم
ببند نمایند و بار دیگر بکشد و آب بریزند و باز تا دو ساعت بهم آمیزند و بطور اول بگذارند چون شیار و

آنکس که نشین شود سوراخ کشاده آب زلال در حوض پایش گرفته باز سوراخ بند کرده آب زلال از حوض دوم گرفته در ظرفی که در آن پختن چند بار عمل نمایند و آب زلال جدا جدا بحباب اول و دوم و سوم و چهارم تا آنکه در آب تیزی و ذائقه آبک و شفا برسیج نمایند آنگاه روغن زیتون یا روغن کنجد یا روغن کتان یا بیدانجیر که کدام که خواهند تقدروه حصه آب مرتبه اول گرفته در ظرف بزرگ انداخته بالای آتش دان ننهند و بجوشانند و آب مرتبه سیم را اندک اندک در آن روغن بریزند چون آب تمام شود آب زلال دیگر که مرتبه دوم گرفته اند در آن بپاشند و بپختن یکی بعد دیگری آب زلال مرتبه در آن بریزند و در مرتبه آخر آب زلال که مرتبه اول گرفته اند در روغن اندازند و تقصیر علی الرقیب نمایند و روغن مثل خمیر غلیظ خواهد شد آتش برداشته آنگاه در قالب انداخته و لوحات یا رگستند و نگاه دارند این ترکیب صابون سازی است و اگر اندک صابون نیاز کردن منظور باشد می باید که در سهو چه بزرگ کلی یا ختم کلی شئی روایات را چنانچه در حوض ریخته عمل کردن نوشته شد کار نمایند و در آن سوراخ نمایند و آب زلال در خمیر دیگر بگزینند و در این صورت بالای سوراخ خم اول یک جامی و از کون به نهند

ترکیب ساختن صابون انگریزی

باید دانست که روغن در آب آمیز نمی شود و لیکن بر گاه چربی صاف شده یا دیگر شئی صابون می کنند و از آمیزشش چربی یا روغن و سودا و پتاس صابون انگریزی ساخته میشود و این صابون انگریزی و و قلم میشود و نرم سخت از سودا و نرم از پتاس می سازند و خرج صابون سخت به نسبت نرم بسیار است و روغن که در صابون سازی بکار می آید دو قسم پیدا شد قسمی خشک کننده و دیگر رقیق کننده روغن بزرگ کتان و روغن سن که بآن رس می سازند و روغن خنکاش اینها خشک کننده هستند و روغن بادام و روغن نارچیل ازین روغنها صابون نرم ساخته میشود و باید دانست که مرتبه اول که عصاره روغن از آن روغن کشی بر می آورند آن روغن بکار صابون نمی آید و چون بار دیگر در همان وقت روغن بر می آورند آن بهتر است زیرا که در آن لزوجت خوب می باشد و روغن از ج در صابون سختی پیدا می کند و روغن نارچیل یک قسم و بنیت می باشد که چون با سودا آمیخته می برند یکجسم می گردد و جدا نمیشود مگر می باید که تا دیر وقت بپزند و باین وجه تا با روغن زیتون و چربی آمیخته استعمال میکنند و ازین صابون سفید و عمدتاً میار میشود مخفی می باد که روغن زیتون که قلم می شود قسم اول از آن درون شمر زیتون بر می آید قسم دوم شمر را در آب که در انداخته در شکله انداخته روغن بر می آید قسم سیم شمر را در آب جوشانیده روغن بر می آرند و ازین سه قسم برای صابون سازی قسم اخیر بکار

روغن خنک
را با آستین
سودا یا آستین میزند
آب و روغن را بهم میزنند
نیکو در و این آمیزش
است

در صابون سازی

و باید دانست که خاصیت چربی بر جا نور علیحد و میسب باشد چربی باقی اکثر قسیت می باشد و چربی جانوران
گوشت خوار اکثر نرم و بودار می باشد و چربی جانوران خشک و کم بودار میسب باشد و چربی جانوران جوان
خوش خوراک اکثر سفید و بسبار تمی باشد و در صابون سازی استعمال چربی کا و زیاده استعمال میشود و این
چربی زرد می باشد اگر چند بار در آب گرم شسته شود زردی آن بر طرف میشود

ترکیب تیار نمودن آب برای صابون

آب صاف رود جاری برای صابون می باید اگر در آب اندک تغییر خواهد شد صابون صاف تیار نخواهد
شد آبک و شخار را جو کوب نموده در آب آبک آمیزند و ۲۴ ساعت نگاه دارند و در خمی که در سطح آن
سوراخ و یک لوله نصب نموده باشند بریزند لکن در این قسم آب تیز و تند می کامل نمیشود و آبک زیاد
خارج میشود فلذا ترکیب دیگر ابداع کرده اند حضرات فرنگان و آن این است که شخار را با آب زلال
آبک آمیخته از گرمی هم مدد دهند و خیال دارند که سولوشن در یک درجه زیاد و از پانزده حصه شود
نباشد و شناخت تیزی آب آن است که قدری در یک جام بگیرند و تا سرد شدن بدون حرکت دادن
نگهدارند و در پارچه صاف نموده در آن قدری بتیغ استقطر نمایند اگر سبب شش آید و مانند که تیز نگردد
و تا وقتی که چنان شود بر استش بریزند هرگاه تیار شود از آتش جلیده نمایند و ظرف را بند کرده تا پنج ساعت
بماند حرکت نکند تا آنکه تمام آبک ته نشین شود بعد آن سولوشن بدرجه لوله خوبی در یک پیم چوب
بریزند و در ته این پیم بخورارخ باشد و آن را بند کرده و نگهدارند و وقت حاجت گشاده آب زلال آنرا
میگیرند و برای این کار آبک آب دیده بکار نمی آید آبک آب ندیده گرفته در آب آمیزند و آب را در پیوا
نیز ندارند که حدش را نائل شود اگر یکصد رطل شخار باشد آبک ۴۲ رطل میسباید ترکیب شش افرو
صابون زرد رنگ بر گرمی دخانی پیخته میشود و برای بختن است م زکین آتش زیر ظرف بختن می افروزند اگر
چهار طرف ظرف آتش مشتعل کنند اجزای صابون سوخته خواهد شد و برای این کار و فال معدنی که

آتش آن تیز و شعله آن کم میباشد مناسب است طریق بختن صابون

بعضی صابون سازان اول چربی را در یک انداخته آب آبک و شخار درجه اول را اندک اندک در آن
سپریزند و بعضی از آب که در آن خیزی اندک میباشد شروع مینمایند و بر آب تیز و تند ختم مینمایند
کارکنان اول آب ازده درجه تا پانزده درجه میگیرند و کارکنان قسم ثانی از هفت درجه تا ده درجه و
پانزده تا بیست درجه و از بیست تا بیست و پنج درجه آب شخار و آبک در چربی بار بار می ریزند و بعضی
صابون پزان یکبار کل آب میریزند و بعضی بتدریج و این طور بهتر است و میباید که وقت انداختن آب

آنکه صابون اندک برداشته از پشت فرو سبابه به بنید اگر سوزش محوس شود درختن ایتام
کنند و اگر سوزش نباشد آنوقت آب دیگر بریزند و پنجس وقت انداختن آب آزمایش کنند
و خوب حرکت دهند تا که تمام آب صرف گردد و آنوقت در یک آب رنگین رستق بنظر خواهد
آمد و آب پاک و چربی پاک ذات خواهد شد و اگر این آمیزش صاف باشد بدانند که حله اجزا بوزن
درست بوده است و اگر درختن صابون دیر شود آب کم زور شخار و آبک که از یک درجه تا دو
درجه بود در آن بریزند و بعضی اوقات از تابش پنهان میشود که غلیظ القوام میگردد و در یک
آنکه منجمد و داغ خورده می گردد نشانی آن این است که دو دیاه بالای آن می آید پس آتش کم کنند
و چند باطلی آب بسیار نیز و تند آبک و شخار بریزند و خوب بیا میزند که اصلاح آن خواهد شد

شناختن ختم صابون

اینست که از چجه که حرکت میدهند آنرا برداشته به بنید هرگاه تارهای دراز کشیده میشود بدانند که
تیار شده و آنوقت برای علامت نمودن آتش نمک بر آن می اندازند به این طریق که شخصی نمک ریزد
و شخصی دیگر از چجه و بالا کند و آتش نرم افزارد و نمک از مقدار زیاد و نندازد و هر قدر نمک لازم
باشد باید که ششم حده آن یک یک مرتبه اندازند و چون اسف نمک انداخته شود تا دو دقیقه صابون
سختن و پند باز اسف باقی را ترکیب فوق اندازند که یکصد رطل چربی باشد و آن از دو اوزن
رطل تا شانزده رطل نمک اندازند که آبی که در صابون می شود از این جدا می شود پس آن ساعت بیا باید
که اندک صابون گرم بر آورده ملا حظه کنند اگر درست نه چسبد و برکت دست نماد و از
کف دست دیگر فشار دهند اگر معلوم کنند که سختی در آن پیدا شده است صابون تیار شده و
علامت دیگر اینست که در سطح صابون رخنه می افتد و در کف نرمی و دهنیت باقی نمیباشد و چون
از علامات بدانند که صابون تیار شده از آتش جدا کنند و چند ساعت بجال خود بگذرانند بالای
صابون هر قدر آب باشد به پند اگر صابون سخت منظور باشد از آب درجه اول سخت آغاز کند اگر در
آشامی سخت صابون نرم و رقیق گردد بدانند که در آن قیزاب مذکور کمزور بود و چند ثبث نمک در آن
اندازند یا آن قسم صابون که باب کم و ریخته شده باشد مخلوط نمایند و اگر برعکس این باشد اندک
آب بریزند تا چربی و شوریت جدا آید و هرگاه که بای بزرگ خلثات صابون بر سطح دیگر بنظر
آید و در آن براتی پیدا گردد و از گرفتن در دست بشکند یقین کنند که صابون تیار شده آنگاه چند ساعت
نگاه داشته در قالب که مخصوص برای اقرار صابون ختمه میشود بریزند و هرگاه خواهند که صابون خوشبو

سازند از چربی پای خوشو در آن شامل کنند ترکیب صابون بادامی روغن بادام سنت
 رطل آب آهک بقدر حاجت گرفته ترکیب نخستین صابون بنزد بیان هشتم در لاک سازی
 شیل لاک دو جزه دیامردو جزه لعاب درخت صنوبر یک جزه جوهر ترپن یک جزه مصنوعی التامی یا رین
 سه جزه همه را کداخته بهم نمایند لاک رنگ طلایی ترپن چهار اونس شیل لاک هشت اونس ورق چانه
 عدد و بر و نیز پودر در نصف اونس میاکنیس با بار و روغن ترپن آمیخته یک گرم و نیم لاک سرخ جته
 مهر یک رطل قیر زرد پنج اونس و نیم ترپن یک اونس شجر فاول لاک را در ظرف مسی بر آتش بکند از ندر بعد
 در آن قیر را آمیزند و آهسته آهسته ترپن شامل کنند بعد شجر فاول در آن آمیزند و از اول تا آخر آنرا
 جنبش داده باشند و در قالب ریزند و اگر سیاه منظور بود اجزاء سابق را با عاج سوخته بیا میزند

بیان نهم در رنگ سفید جلد کران لایحی صحافان

ترکیب سیاه بر جلد چرم توتیای بنی یک جزه در آب گرم آمیخته بر جلد بپاشند آفتاب طلایی بر
 کنار کتاب در کرل رنگ مرصع نشاء و نش شد خالص و یک سته ورق طلا انداخته خوب حل کنند
 و ساعتی نگهدارند تا آب صاف بالا آید آنگاه آب زلال بکینند باز همچین آب ریخته سختی نموده
 ساعتی نگه دارند آهسته زلال بکینند و چون دانند که شده مانند طلای محلول مانده است آنوقت بقدر یک
 رسکپور را در یک چمچه اسپرست اف دین کداخته با قدری آب صمغ در طلا آمیزند و در شیشه نماده سر
 آنرا بگذارند که بوقت حاجت کنار کتاب را سبز یا نیلگون یا سرخ رنگ دهند و بر آن آب طلا را که در
 شیشه نماده اند حرکت داده بر آن افشانند چون خشک شود از مهره جلانمانند ساختن مار بل
 برای جلد کتب مناسجه و اهل محصر پوست خوب دیوار دارند آب سائیده باشد برای
 بر آتش نرم بنزد تا که آب نرزد بر آید آنگاه در یک ظرف کشاده مانند محمد بریزند و چرم را بر آن فوش کنند
 و آهسته آهسته در آن فرو کنند که هر جای چرم تر شود بعد بر آورده بر مقوای کتاب ملحق نموده بر آتش
 خشک کنند و لعاب سفید بضمه مرغ بر آن بطور اهار بمالند سبز رنگ مار بل چنانچه مذکور
 شد چرم را در ظرف عریضی برین کرده در اسکات لگو میزد بلو ملون نمایند بعد از آن تا یک ساعت
 در آب صاف دارند باز بر آورده آب آنرا افشاده بر کتاب کشیده چون خشک شود در شیشه از کف
 دریا آب شکار کم زور بر آن قطره قطره افشانند و در سرکه تند از نوک قلم کشند چون صاف و خوشک
 گردد اسفنج در آب صاف تر نموده چند رفته باشند فریج مار بل تقارچوبین که عمق آن دو انج
 و عرض شش انج و طول مشه باشد گرفته و در ظرف مسی روغن تان بر قدر در کار باشد باب لغت

انقدر بپزند که قوام گردد و بعد در طغیان مذکور قوام معلوم را انداخته سرد نمایند و در کربل شک مرمر حریف
 رنگارنگ بپایند پریشان بگو گنگس بلو روز پتاک شجرف فلیک و بیت کجلا - براون ابنر سبزر منیل
 زرد نارنجی سرخ پرپل سیاه کبود زرد و سرخ از این الوان کجلا و ابنر را قبل از استعمال بر آتش
 سوختن لازم است و برای هر یک رنگ دو تا پیاله بگیرند یعنی یک پیاله بعد سائیدن جبه رنگ ساق
 و دیگر برای آمیختن زهره کاو و مکر لحاظ دارند که اگر زهره کاو زیاد آید زهره کاو رنگ نقش خواهد شد
 غمزه و این کار اندازه مقدم است اول استخوان بر تغاری انداخته پودر بنید اگر پودر نشود داشت که لایق کار
 است وقت استعمال کتاب را در شکنجه بکشند تا آب در اوراق سرایت بخند و هرگاه همه چیزها آمیخته شود
 اگر از آبی رنگ شروع کردند منظور است از برش قدری رنگ آبی به کنار کتاب بپاشند اول مرتبه نوک
 قلم را در آب صمغ قدری فرو برده در رنگ سرخ فرو برند و هر طور خواهند نقش کنند و کار را تمام

بیان دهم در عطریات و بعضی منج مفیده

عطر سازان استام عطریات از انواع کلبا و اشیاء معطر تیار کنند و عطر به چیز که کشند زمین آن
 از صندل باشد پس اول تدبیر زمین صندل بنیان میشود و بپایند چوب صندل و آنرا براده نموده بدیگ
 اندازند و آب صاف انقدر بر آن ریزند که بالای آن بر آید و سه روز بگذرانند تا خمیر آن درست شود
 بعد از آن حلاوة آب سابق که براده در آن تر کرده آب بقدر نصف دیگ اندازند و سرپوش بپوش
 گذاشته لبهای سرپوش را از آرد کنند بپایند کشند پس بخیر فی لبوا را خ سرپوش نصب کرده سه و یک
 را بطرف دهن تنگ گذارند و آن ظرف دهن تنگ را در تغار پر آب گذارند و زیر دیگ آتش کشند و نظیر بر آن
 دارند که هر قدر آب که بدیگ انداخته اند از آن یک حصه از راه فی بطرف در آید و یک حصه حق سوختن
 باشد و یک حصه بدیگ باقی ماند تا بسبب خشک شدن آب احتراق با جزای دیگ را و نیاید پس
 موقوف کنند و عرق که بطرف در آمده آنرا بطرف دیگر ریزند و روغنی که بالای عرق باشد آنرا با حقیقت
 برداشته در شیشه کنند که آن زمین صندل است چون خواهند که عطر کل سرخ یا شئی دیگر کشند آن
 شئی را بطریق محروف بدیگ اندازند و آب بر او ریزند و بر سر دیگ آن نهند و فی وصل کنند و نظیر
 سری کرد و آب تغار میگذارند در آن ظرف هر قدر که مقصود باشد زمین صندل بریزند و زیر
 دیگ آتش کشند و عرق بگیرند هرگاه ظرف از عرق بقدر معین پر شد آتش موقوف کنند و آن
 عرق را بطرف صاف ریزند و عطر را از روی عرق بدست آورند و در شیشه کنند هر کلی که بدیگ
 انداخته باشند بپندت مصاحب عرق بوی آن در آن روغن غالب شود و بعضی عطر فروشان از

از آن خیانت در روغن گل چند قطره عطر گل انداخته و آنرا بجای عطر کلاب فروشد و همچنان
عطر خالص برین پنج است که یک قطره عطر پاره کاغذی کرده آن کاغذ را قریب آتش بزند اگر از
رمی آتش روغن منبسط شود و بوی آن زایل گردد بداند که عطر خالص نیست و اگر بر صورت
بجای خود باشد دلیل بر خلوص اوست ترکیب ساختن مشک ایجاد ابل فرنگ
پرز درخت اینده که بفارسی گویند گرفته اندک جمید در آن آیمخته در کلاب خیسانیده خشک نمایند
چون خشک شود باز تر کنند بهین پنج تا چهار مرتبه بعد در شیشه نموده پس آنرا محکم بند نمایند و چند
روز نگه دارند که رایحه در آن ثابت گردد پس در یک توله این آمیزش سه ماشه مشک خالص آمیزند
همه مانند مشک خواهد شد درخت انبه در ملک هند بسیار است و در ملک دیگر این درخت نیست پس آن
خو که در ایران مشهور است بجای آن بکار خواهد آمد نوع دیگر ساختن مشک مصنوعی
قرنفل بجز محلب بجز سنبل بجز همگی راستی کرده از پارچه بدبند و با کلاب حل ساخته باز سخی نموده
که دوامزد و بوی خوش سازد و آنوقت بیاورد و فراخ کبوتر را و در جانی نگه داشته تا با سفید
روزانین دو ابر و بنجور اند بعد از سیفت روز او را فرج نموده خون او را در ظرف زجاجی که بروغن لبان
لطیف نموده باشند گرفته خشک نمایند بعد از آن بخدر رم مشک خالص اضافه نموده سخی کرده در نافه
آهسته نموده و بفروشد که هیچ فرق با اصل نمیکند این بهترین است اما مست مکرر تجربه شده

ترکیب ساختن عنبر مصنوعی

بیار و حبب الحصف و کبر و زو و کیشب در کلاب خیسانیده مالیده پوست او را دور نماید و مغز آنرا بر آورده
بجو شانده قدری عنبر شهب در آن کرده با کلاب سخی نموده بعد از آن بدین البان تشقیه نموده در شیشه
کرده بند شیشه را منضبوط بند نماید و در جای گرم نالی بگذارد تا چهل روز بعد از آن بر آورده و بفروشد که
عنبر شهب است به تجربه رسیده کسی از اصل فرق نخواهند کرد و خطر سازان انواع تیزاب از شوره و نوشادر
و زاج و شکار و کوک و زرنخ میکشند طریق نشدن آنها این است باید از قرع و انبیس شیشه پاکشند و
باید قرع را از پیرون کل حکمت بگیرند و بر این قرع پیچیده و آنرا بهر لفظ از آب تر دارند

انسخه ساختن نمک سلیمان

که برای دفع کلف و بهیج و سختی کلمه مفید و محرک باد و رافع هم و پاضم و رافع و بهیج قاضی مقام تریاق است
و در همه وقت با استعمال می آید نمک سامر رطل و باید دانست که سامر نام معدن نمک است
و در ملک هند میباشد و از آنجا به جای دیگر میرند اول آنرا بریان نمایند و باز در سیوچه کلی نهاده

در تنور گرم کنند چون تنور سرد شود برارند و نمک سنگ که آنرا نمک لایموری گویند و نمک اندرانی
 نیز بر یک شش و قه تحم کرفس عسیت درم فلفل کرده ۱۵ درم فلفل سفید ۱۰ درم اذخره ۵ درم ایتمون
 سنبل الطیب الکو زرد کزنده سیاه بر یک ۴ درم دارچینی زنجبیل اینیون اصل السوس بر یک چهار
 درم اودیو را بار یک سائید و سوزانند نموده با نمک سحوق آمیزند و در ظرف چینی نهادند و در زیر
 جودغن کنند و بعد از چهل روز با استعمال آرند و هر قدر این نمک کهنه شود بهتر خواهد بود برای قوه
 باه و بر بقیه نیم برشته ریخته بخورند و برای پشتم طعام بقدر حاجت در طعام بخورند برای او را هم
 باید که عمل بر جای دردمالیده بران بپاشند کتخه جواهر مهر و مصنوعی که قاشق مقام جواهر مهر و اصلی
 است شاخ کوزن سفید سوخته یک توله تخم جوز مائل یک ماشه دانه پل ماشه در عسیت توله کلاب
 سحوق نموده خشک کنند و بالعاب به دانه آلیخته مهر و سازند و ورق طلا بر آن بچسبند چنانچه جواهر مهر
 را با استعمال می آرند بکار برند

بیان یازدهم در نسخ خضاب

نسخه خضاب ایل یورپ آب رسیده یلرخل در دار نمک ۱۰ اولش چاک چهار اولش سفید
 دوا اولش همه را در آب گرم آمیخته و وقت شب ریش را نشانه کرده و دوا را بر مو بچسبند و چاره را در آب گرم
 کرده و بر ریش بزنند و بران پارچه ابریشمی در روغن تر کرده بزنند تا دوا گرم ماند و خوشک نشود
 و در ساعت سیاه خواهد شد وقت صبح ریش را از سرش صاف کرده و قدری روغن بزیون بران بپاشند
 نوع دیگر تاثیرت اف سلور یازده درم نایتیک اسد یک درم آب مقطر نیم باطن نبات بزنند
 درم صمغ عربی یک درم همه را مخلوط کرده بر محاسن ضما کنند نوع دیگر نایتیک اسد یک درم تاثیرت اف
 سلورده درم ساب کرین نه درم مو سیلچ پنج درم آب مقطر ۲۸ اولش نوع دیگر تاثیرت اف سلور
 ده درم براده آهن ۴ درم نایتیک اسد یک اولش آب مقطر ۸ اولش بجم آمیخته نگذارند چون بخورند
 رنگین گردد از برش بر محاسن کجالت استیاط بمالند و رنه جلد چه سیاه خواهد شد

بیان دوازدهم در ساختن رنگهای نقاشان و نقشه نویسان

برای رنگ سازی اول باید که روغنی تیار کنند و ترکیب آن بدین نحو است که یک انار سبز و س را
 با شش جوش دهند چون کداخته شود نیم انار روغن بزرگتان و نیم انار روغن ترین در آن اندازند و از
 چوب حرکت و پسند هرگاه بقوام آید از آتش برداشته سرد کرده و در شیشه گنجا بدارند هرگاه خواهند که رنگ
 کنند هر رنگی که خواسته باشند در آن بپایزند و بکار برند و برای نقشه نویسان ترکیب رنگ زرد
 شیر ذر یونند چینی را در آب مذاب نمایند رنگ زرد حاصل شود رنگ سرخ بر ازل و ست را در سرکه

جوشانیده اندک صمغ عربی انداخته و قدری شب یامنی داخل کرده بکار برند فو ع و دیگر کرم قرمزی
تر کرده عرق آنرا برارند و قدری صمغ داخل کرده بکار برند رنگ بنفشه را در آب حل کرده با قدری
صمغ بکار برند رنگ باد بخانی از امتزاج دوده و قرمزی حاصل شود ترکیب پختن بهریش برای
فقطه فوکیس سریش پنج جزء مشکر دو جزء آب خالص سبب جزء بهم نموده و قوام نمایند و در
قاب ریخته قلم سازند وقت استعمال در آب گذاشته بکار برند ترکیب ساختن کاغذ برای
روغن بیدانجیر یک جزء اسپرتاف وین سه جزء بهم نموده بر کاغذ آهار کنند بعد ساعتی کاغذ همچو آینه خواهد
شد آنوقت بر هر نقشه که خواهند بنهند از قلم نیل نقل بردارند هرگاه نقشه تمام شود کاغذ را حلأه نموده
و آنرا در اسپرتاف وین بنهند روغن از کاغذ جدا خواهد شد و بحالت اول خواهد آمد

بیان سیزدهم در کبریت سازی

چوب را مانند خلل باریک کرده بعد کبریت اصغرا اگر انداخته سرچوب پارا اندک فرو برند باز در آئینش
بماند قدری که در کبریت گذاشته فرو برده اند فرو برند آئینش نیست فاسفس نه جزء شوره چهارده جزء
برن او کسانده اف میا یکس ۱۱ جزء صمغ شانزده جزء صمغ راد کر می دو صدد و چه گذاشته بتدریج در آن فاسفس
آئینند و حرکت داده باشند بعد شوره و اجزای دیگر شامل کنند و این آئینش را بر کرمی ۹۷ درجه
بنهند و بر تخته صاف سنگ مرمر این آئینش را نهاده زیر آن آب کرم که حرارت ۹۷ درجه برسانند بنهند
و خلألهای چوب را در آن بقدریکه اول در کبریت فرو برده اند فرو برند طریق ساختن کبریت بدین
گو کرد اول باید که پاره آهن را در آتش سرخ کنند و یک سرچوب کبریت را از آهن سرخ بسوزانند و در
ظرف مسی قلعی دار اسیر پودر آب مو م آن سر سوخته را فرو برند باز همان سر را در آئینش مرقوم الذیل
فرو برند فاسفس سه جزء سریش سه جزء آب خالص سه جزء ریک باریک دو جزء کلون کنند از یک جزء تانچ
کلاریت اف پتاس سه جزء شعله این کبریت سفید می باشد بیان چهاردهم در آئینه سازی
بر هر شیشه که سیاه قلعی کردن منظور باشد می باید که هر دو رخ آن صاف و شفاف بی جرم و داغ باشد
که از داغ و چرک قلعی خراب می شود بعد ورق قلعی بقدر شیشه بگرد برای آئینه کو چاک ورق رقیق و برای
آئینه بزرگ ورق کلفت بیاید و این ورق باید از هر آئینه که بر آن قلعی میکنند در طول و عرض یک آنچ
زیاده باشد و ورق را بر لوح تخته سنگ مرمرین نمایند و از رول چوبی و ورق را هموار بر آن تخته سنگ
بعد سیاه را در ظرف چوبی گذاشته از چوب آهن سیاه را بر ورق فرس کنند هرگاه که ورق از سیاه
پوشیده شود آنوقت آئینه را بر آن بحال صفائی بادیست بنهند باین طریق که از یک جانب آئینه آینه شیشه

بر سیاب بکشد هر قدر آینه بر ورق سیابی میرسد سیاب زاید پیشاپیش غلطان و علاحد میگرد
و هر قدر چرک در سیاب میباشد علاحد میگرد و سیاب صافی بر ورق رفیق مانند کاغذ بر ورق
مانده در شیشه میسوزد و در این کار صافی دست و سرعت لازم است تا چند بار رو برو می استاد
این کار نکند درست نخواهد شد و اکثر اوقات چنان میشود که شیشه را از بالای ورق دوسه مرتبه برداشتن
و گذاردن لازم می آید و وقتیکه پنوا مرطوب میشود این امر بیشتر و میسر و بهین سبب هر قدر شیشه
بزرگ میباشد ورق کلفت میباشد و سیاب قلعی قوت متناطیسی است هرگاه و بصورت
شیشه برداشته میشود باز بر سیاب زناده نمیشود زیرا که سیاب ورق قلع را خراب میکند و جهان
شدن نمیدهد فلذا هر قدر ورق کلفت باشد بهتر است و بصورت هرگاه شیشه برداشته میشود
زود از چرک صاف نموده بر ورق سیابی می زنند و چون ورق کلفت میباشد در چند نقش بکار نمیگردد
چون شیشه را برابر ورق زناده باشد باید که بر آن ز آهن یا مس بشکند سنگینی زنند تا سیاب زاید
نماند و عالمان این عمل تخمه سنگ را که بر آن آئینه را قلعی میکنند بر یک آله مدور که مخصوص این کار است
می زنند تا دست و برابر ماند و اگر حاجت افتد قدری کوچک کرده بدو چهار طرف سنگ برای پیرون
رفتن سیاب را که در آله میدارند که سیاب هر قدر بریزد کجافراجم شود و شیشه را بر سنگش آله چنان
نگاه میدارند و اگر آینه بزرگ باشد تا یکروز میدارند چون میدارند که قلعی ثابت شد آنگاه تخمه آهن را
بر میدارند و آئینه را بسته استاده میکنند تا چند ساعت تا سیاب زاید بچکد و از بالای سنگ آئینه
را به طریق بر می دارند اگر بزرگ است و جب است هر دو کنار آئینه را گرفته بر میدارند و اگر آئینه بزرگ
است دو کس بر میدارند و اگر آئینه قدر آدم است هر که بر آن آئینه زناده اند برداشته است
استاده و پس نمایند و چند کس که در آله را از دست نگاه میدارند هر گیس از سیاب جلی نمود
شیشه های کم قیمت شیشه را از آب شسته بر یک تخمه هموار می زنند و پنبه را در آب مقطر تر کرده شیشه را
بآن پاک و صاف میکنند بعد از آن بچینه نمک لاهوری را در دو صد حصه آب مقطر حل کرده در آن پنبه
تر نموده و باز شیشه را بآن صاف میکنند و قبل ازین عمل این سولیوشن را تیار میدارند نسخه آن است
امونیاک کامرس را اندک اندک در نایتیرت اف سلور میاندازند چون می بینند که در دانه نشین میشود
آن گاه سولیوشن را در کاغذ صافی بینایند و برای بر یک مریخ شیشه افتد سولیوشن بکینا که در آن
سیصد و نه نخود وزن نایتیرت اف سلور باشد و در آن نمک لاهوری اگر کام آمیزند و این سولیوشن
انرا افتد قوی سازند یعنی افتد آب آمیزند که سولیوشن نایتیرت اف سلور و سولیوشن را جمل سالت

پرو آینه در آن شخصت کرم بود و چون این پرو و سولوشن بهم آمیخته شود و در یک دقیقه بچو قوام
 میگرداند آئینه را بر تخته که یک طرف آن چهلیم حصه یک ششخ بالا نموده باشند باین طریق این آینه را
 راز و میریزند که تمام سطح برابر برین گردد و از اطراف نیز د آنوقت شیشه را از دست گرفتند
 آنرا بکرمی ۶۸ درجه برسانند در دو دقیقه قلعی نقره نمود خواهد شد و درسی دقیقه قلعی نقره
 بر آینه خواهد شد باز آن آینه را زاید از بالای آئینه در ظرف دیگر بریزند و نقره بردارند باز سطح
 شیشه را سه چهارم بار شسته بپهنند تا خشک شود هرگاه خشک شود بر آن وارنش مرقوم
 الذیل را بریزند کم و یا مکرر که قسمتی از صحن است بسیت جزء اسفالت یعنی فنیچ حصه کتا پر چاکه
 قسمتی از صحن است پنج حصه لوبان ۶ حصه این وارنش شیشه را سخت نمیکند و بعد مالیدن
 وارنش شیشه تیار می شود ترکیب درست نمودن آینه که بعضی جای پای آن خراب
 شده باشد چون برآورده آنجا را صاف نمایند و گرد آن دیوار بچو صم بکشند و در آن اندک
 تاثیر تاف سلور اندازند و بر آن روغن قرفل و اسپر تاف وین انداخته نقره را نه نشین
 نمایند و باین طریق جای خراب شده را اصلاح کنند آینه که خاص برای دیدن
 صورت میباشد بدین پنج بر آن جیوه میکشند تاثیر تاف سلور ده گرم که درین گرفته در یک
 اونس آب مقطر آمیزند و در آن قطره قطره امونیا یعنی جوهر نوشادر انداخته باشند تا وقتی که
 درو کبود رنگت جمع شود و گذاشته گرد باز در آن امونیا انداخته از دست به لرز حرکت نموده
 بعد در باطلی دیگر ده گرم نمک لایسوری با یک اونس آب مقطر آمیخته باشند هرگاه این پرو
 آب تیار شود آنگاه بر آینه هر قدر ضرور باشد باین طریق که آب تاثیر تاف سلور دو حصه و یک حصه
 آب نمک لایسوری گرفته پرو را بیا میریزد و شیشه را خوب صاف نمایند و از چرم جیر خشک کنند
 در آفتاب یا گرمی آتش که پختند درجه باشد که صم نمایند و بر آن ابهای مذکور را بیا اندازند و تا یکساعت
 در آفتاب بدارند هرگاه بجز شیشه ثابت شود بر آن آب متعطر اندازند و اگر در جانی رطوبت و حرکت
 و غبار یابند با ستمی از پنبه صاف نموده خشک کنند چون خوب خشک گردد از چرم پالش کنند

بیان پانزدهم در نحوه جات مختلفه

ترکیب ساخن پاپسل رصاصی کل سفید را در سبوی آب تا دوازده ساعت در آب تر دارند
 بعد از دست خوب مالش دهند و بشا رند چون تمام آب بر نک شیر شود بگذارند و بعد چهار دقیقه
 آب زلال را بسته بگیرند و در ظرفی نگه دارند هرگاه کل سفید از این زلال ته نشین شود آنوقت آماده است

آب بریزند و در دوا خشک نموده در شیشه بدارند و بلیاک لید یعنی رصاص کشته هر قدر منظور باشد گرفته بگویند و سفوف آن در یک بوتله کلی بناده و پس آنرا بنده نموده مگر قدری بهم کشاده باشد بر آتش ذغال بنهند و آتش و بند تا خاک شود بعد سرد نموده بگویند و باریک سفوف نموده مساوی باطل سفید نکور آمیز نمایند و اندک آب شامل نموده خوب سرشته هر قدر منظور باشد پاره پاره نموده قالب از روغن چرب کرده پاره پاره می نکورند و در قالب اندازند و در سایه خشک کنند بعد از آن پاره پاره را بر آورده در سایه درخت سرد و بنهند و باید دانست که از زیاده قلی کل و گرمی پنیل سخت میشود و اگر بر عکس شود نرجه می ماند و قالب از چارنگه خوب صاف و هموار می باید و باین قسم هر کونه پنیل تیار می شود

ترکیب ساختن سرکه ارشک

در ده باطلی آب همین قدر بسوس کنند و را بنهند و در یک خم از پارچه صاف نمایند و از دو رطل شرک کوزان اندازند و چون تا درجه پنجاه رسد شود آشکارا که شراب یک بوتل در سه مرتبه در آن بریزند و تا چهار روز بدارند بعد هر قدر گرفت بالا باشد بردارند و در پیپ صاف پاک بریزند و از آن آب پیپ را قریب بکلی آن بر نمایند اگر جوش پدید آید اندک شراب کمند یا شرک در آب جوشیده در آن بتدریج بریزند که تا جوش آن موقوف شود بعد پیپ را بر یک تخته نهند و در تاب آفتاب بگذارند و اگر موسم سرما باشد نزد یک آتش گذارند بعد یک آتش او من سرش باهی در یک شیشه سرکه کمند در آن انداخته سوراخ پیپ را مضبوط بند نمایند از قیر و چند روز گذارد که سرکه خوب خواهد شد و اگر اندک سرکه ساختن منظور باشد در یکصد و بیست حصه آب و دوازده حصه براندی سه حصه شرک سرخ یک حصه تارتر نیم حصه خمیر ترش آمیخته در جای گرم بگذارند سرکه کلابی کل سرخ خشک نیم رطل و رشت رطل سرکه آمیخته تا دو هفته بدارند و وقف و قفا جنب بایند و باشند بعد صاف نموده منطر نمایند سرکه لیمو یک رطل و نیم و رشت رطل سرکه منطر و یک رطل عرق نارنج ۱۲ روز بخیانند بعد صاف نموده منطر کنند

ترکیب نکاید شستن میوه جات تا مدت مدید

بقاعده میوه فروشان لاک پورپ که تا یک سال بحال خود تازه می ماند و در آب قدری قیر آمیخته پاک آب ندیده را در آن تر نمایند و چون آب در پاک جذب شود پاک را بار یک سائده در یک صندوق بعد ریخت اینج فرش نمایند و بر آن پارچه کاغذ کشده هر قسم میوه که خواسته باشند بپاشند و بر آن پارچه کاغذ دیگر فرشی کرده پاک ریخته میوه بچینند بهین طریق تا چند وق پر شود چون چند وقی ملو کرد بالای آن نیز کاغذ کشیده یک اینج پاک فرش نموده و در کنار پای صندوق ذغال سائیده

ببیند و قی را بند نمایند باین ترکیب تا دو سال میوه محفوظ بماند ترکیب دفع نمودن بوی بد از آب اگر در آب چاه بوی بد محسوس شود بقدر یک توله کیس در آن اندازند در چند ساعت بوی بد دفع خواهد شد و از آمیزش کیس در آب هیچ وجه نقصان نمی شود و هر گجا بر زمین مردم می شامشند در آنجا هیچ نقصان می شود بر آن مقام نیز از پاشیدن آب کیس بوی بد دفع میشود فوخر دیگر ترکیب گاه میوه جات تا یک سال می رسد که سخت باشد از شلخ بریده و شیشه مسدود و دهن نمند و دهن شیشه را بند نمایند و در یک دهی که شاد و قدری گاه خشک گشته ده آب پر نموده در آن آب شیشه را بکندارند که دهن شیشه از آب بیرون باشد باز در یک دهی را بر شش گذارند و آتش افروخته بچوشانند چون چوش آید برارند و شیشه را از آب چوش تا کلو پر نمایند و دهن آنرا محکم بند نمایند چون سرد شود شیشه را بر زمین خا باندند تا بکندارند باین ترکیب میوه تا دو سال بجال خود می ماند ترکیب ساختن پلیر شیر را گرم نموده در آن قدری پوست سنک و ان مرغ سائیده بریزند در یک ساعت بپنجد خواهد شد

ترکیب ساختن بار

الگو حل و حقه سلفیت اف کاربون یکصد حصه همین قدر صمغ درخت بر آورده و در ظرفی کرده و بر آتش بکندارند تا نیم سکه که در آخته شده صاف کرده در قالب ریخته خشک کنند ترکیب ساختن مار صحنو کافور و گوگرد از هر یک یک اونس سفید و کاشغری و چاک از هر یک دو اونس همه را نرم گویند و با سریش مایی مخلوط نموده سه نخود زاج سفید و یک اونس سها که شامل کرده مانند قند یا بطور دیگر بپزند و در آفتاب خشک کنند و هر گاه خواهند قدری از آن را همراه کبریت آتش زده مثل بار چینی دراز خواهد شد در ظرف محبوس بسیار از لادن می آورند فقط برای تماشا خوب است ترکیب نگار شستن آب صمغ که ترش و خراب نشود در یک شیشه آب صمغ اندک روغن قزقل یا الگو حال بریزند از خرابی محفوظ ماند ترکیب عجیب که پارچه در آتش نمی سوزد سال امونیا یک جزء آب چهار جزء بهم آمیخته پارچه را در آن تر نمایند ایضا شب یانی بجزء آب خالص صفت جزء بهم آمیخته پارچه را در آن بپزند

صلایح ماس

سنگ یا بجزء شکر سفید و بجزء روزن یک بجزء بهم آمیخته جانی که ماس بسیار باشد بداند ماسان بر آن بجوم آورده خواهند مرد ایضا قفل سیاه سائیده یک گرم قند سیاه یک گرم شیر دو گرم بهم آمیخته در یک ظرفی کرده جانی که ماس زیاد باشد بنهند ترکیب حفاظت بر بخته مرغ در ظرف چینی نیم اینج نکات فرس کرده بپخته را در آن به چند روز باز بران نمک ریخته و بپخته بنهند یا

در این صنعت فلکس که ترکیب آن درینا سازی مرقوم است یا استرس یا ریدید سره سا باشد
 و در کور در بنجه تا ۴۴ ساعت بر آتش تیز چرخ دهند تا که صاف و براق شیشه طیار شود طریق ساختن
 الماس مصنوعی سلیکا خالص شست و نش کار بونیت افیتاس ۲۴ اونس پر دو را بهم مخلوط
 بریان کنند و سرد نمایند و در تیز آب شوره اندازند هرگاه و حدت گرمی آن معرق شود آنکا و چند
 مرتبه از آب صاف او را بشویند که اثر تیز آب باقی نماند بعد آن صوف را خشک کنند و دو اونس
 اونس کار بونیت افیتا شمل کنند و این دو اونس را در یک اونس بوریاکش شامل کنند
 و در مسخه چینی حل نمایند و این آمیزش را در یک بوتله کلی کوچک بگذرانند و در آب بریزند چون سرد
 گردد بر آورده خشک نموده باز چرخ دهند و در آب بریزند همچنین چند مرتبه تکرار عمل نمایند و در
 آب بریزند همچنین و در مرتبه آخر پنجم در شوره قلی در آن آمیخته چرخ دهند صاف ابدار الماس خواهد شد
 در شناختن الماس اصل و مصنوعی آن است که چون او را بشن کریم گشتند و آب سرد و بر
 بروزند سفید و پر آب بر طراوت نماید یا بر کنارهای وی قدی موم نهند و در برابر آفتاب
 بگردانند و بسان قوس و قزح پدید آید تدبیر صنعت ساختن زبرجد مصنوعی بیارند
 ینامی سبز چند آنکه خواهند از آن نکیس سازند بعد از آن شب بمانی را با آب حل کرده موجود و آنرا
 و نکیس را در بر سفال آب ندیده چید سفال را بر آتش گذارند چون نکیس پا خوب گرم شود آن
 شب محلول را قطره قطره بر آن نکیس با بچکانند تا سرد شود تا چند مرتبه تجدید عمل نموده بکشند
 بعد از آن آب سرد بشویند که انشاء الله رنگی پیدا میکند مثل زبرجد کافی صنعت ساختن
 فیروزه مصنوعی اکسیدان کو بالت یازده کرین کلاس اف انتی منی ۲۴ کرین استرس
 ۲۴۷۶ کرین اینهمه تاسی ساعت با احتیاط تمام بر آتش بگذرانند و بتدبیر سرد نمایند

صنعت ساختن مرجان مصنوعی

یلورین چار جز و میلین بچند پر دو را بهم آمیخته بر آتش بگذرانند مرجان شرح خواهد شد طریق
 کشتن مرجان اصلی برای ضیق النفس بسیار مجرب است مگر به تجربه مؤلف کتاب رسید
 در توله مرجان اصلی در توله شیره درخت قلبه شبانه روز خیسانید و بعد از آن در بوتله نموده
 بلبل حکمت گرفته و ذیل بقر آورده بقدر یک سبب آتش کرده و آن ظرف را در آتش گذارده تا وقتی که تمام
 آتش خاکش شود آنوقت بیرون آورده که تمام مرجان خاک شده است بقدر نصف جبه در توله
 روز باید خورده شود صنعت ساختن زقر و مصنوعی اکسیدان کروم دو کرین

بسیار است که بر این استراحت کرده و کمرین همه را بهم آمیخته سی و شش ساعت گذاشته سرد نمایند فو ع دیگر زینچ میثقال سیماست پنج مثقال نمک قلیا بصیت مثقال مروارید خورده مثقال این را به هم مکس کرده و به هم آمیخته بغیر از مروارید بایکد کر ساینند و در بوتی که در و در کور و گذارد و شست دهند که گذاشته کرد و چون سرد شود بیرون آرند و بار دیگر بگویند اگر سیاه باشد بآب گرم بشویند و خشک کنند و مروارید را بآن ساینند و در نگیان و انما بگذارند و باز در آتش برزند یک شبانه روز تا در نگیان دان بگذارد و بیرون آورده آنرا بچرخ بترایند فو ع دیگر آسان تر بکینند و در هم زرد ورق دو در هم بینای سبز و بوتی به ازند پاکیزه و آن بوتی اندازند و آتش کنند تا که به روشنی گذاشته کرد و پس بیارند مقداری از سنگ جراحی و از آن کالیدی بوازند آن سازند که نگیان در آن بچرخد اشیا گذاشته را در آن ریخته بالای آن آب بریزند چون سرد شود بچرخ هموار کنند صنعت ساختن یا قوت بلور صاف شفاف چند آنکه خوانند بیاورند و بگویند نرم صلایه کنند و بوزن او نمک صلایه کنند و خشک کنند و دیگر باره بساینند همچنان تا بهفت مرتبه تکرار عمل نمایند تا مکس و نرم سفید شود و باز در صلایه اندازند و آب بر آن بریزند و بساینند تا وقتی که آب مانند دوغ سفید شود آنوقت در قدحی بیالای دیگر بار آب تازه کنند و بمالند و به هم چسبند در سودن تا کید کنند تا بلور همه آب شود و از این قدح بترج دیگر بریزند و سرش را بپوشند تا بلور به نشیند پس سر آب را بر گیرند و بلور را گذاشته بگذارند تا خشک شود و بساینند و در شیشه کنند چون خوانند یا قوت سازند دو مثقال از این بلور و یک مثقال برنج بر یکد کر صلایه کنند و در نگیان دان نهند و در آتش نهند و ریای کنند چون سرد شود یا قوت شود

ترکیب شستن مروارید

سم الفار دو ماشه کافورده ماشه فوشا در شب میانی که کرد نمک سنگ پاک قلعی آب ناریس و آب پیاز مر یک چهار ماشه اجزا را با هم صلایه کرده آب پیاز ریخته با هم مزج نموده در سایه خشک کنند بعد پره کا و بقدر بصیت قوله گرفته بر آتش کز کم کرده ادویه را در آن ریخته بر آتش گرم نموده بکار برند اگر سه دانه مروارید باشد چهار ماشه از این آمیزش کافی است و اگر زیاده باشد نصف دو فو ع دیگر مروارید سیاه و دغدار را صاف کردن سبیل سفید ساینند در یک صره قدری نهند و در آن دانه مروارید سیاه یا دغدار را انداخته و یک قوله موم و دو قوله پیه بزرگ گرفته در پیاله چینی بر آتش ذغال نهند تا که موم و پیه گذاشته شود و آنکا صره را در آن نخل و پند بقدر پنج دقیقه و در این مدت صره را حرکت داده باشند بعد بر آورده و در چند تپا رچه صره را گرفته در مشت محکم تا که سرد شود باز میروا

را بر آورد و از سفوف صدف خام و خرمد و کف دریا هر سه هم وزن با هم آمیخته باشند بر مروت اید
 بهمانند تصاف کرد و ترکیب سطل و اوان مروت اید شخار شور و شخرف چربی کف دریا بهر
 مساوی وزن سائیده و چربی بنزد یک کف نمودار شود آنوقت مروت اید فی آب را در آن فرو
 بگردانند و در آن کف مروت اید را گرفته مالش کنند اگر صاف شود فیهما الماد و الا بار دیگر همین عمل
 نمایند نوع دیگر شستن مروت اید بقافون ابل یورپ سخاله کندم در آب جوشانیده
 مروت اید را در آن آب اندازند و قدری سالت اف تار و شبت میانی سائیده هر دو را به هم آمیخته ازان گرم
 گرم مروت اید را بهمانند یک کاه آب گرم سرد شود باز بطریق مذکور محل نمایند تا بجای که مروت اید صاف شود
 بعد در آب نیم گرم شسته بر کاغذ سفید نهاده در جبهه تاریکی بنهند تا سرد شود ترکیب ساختن مروت
 بیاورد مروت اید پاکیزه ریزه و پاک بشوید و در قارور و کند و آب ترنج و لیمو و سیروپا زبردی آن تخمه
 سریشیه را محکم کنند و در آفتاب بند و پیر روزا و رانکا بکشد چون آنها را بنجود مکرار کند تا آنکه حل
 شود و مدت حل او میفاده الی مہبت و یک روز است چون حل شود محلول را در کاشه چینی کند و کاشه
 دیگر بپاورد و ازان محلول بوزنی که خواهد کرد در آن کاسه بند و بگرداند تا مدور شود بعد در سایه خشک
 نمود و چون خشک شود با میال از نقره بسیار باریک آنرا سوراخ کنند آنکه چون تنور ازان بختن
 فارغ شود بیارند باسی فربه و شکم او را پاک نموده مروت اید مذکور را در شکم باسی بند و در تنور با آتش
 ذغال بنزد و بیرون آرند و سرد کنند که بهر از مرتبه از بجری بهتر باشد و هر که تعصیه نکند رنگ آن

طریق جلا دادن مروت اید که زرد شده باشد

بیارند محلب و کبچهره و راپوست باز کنند و بکافور سخی کنند که بهر سه بوزن برابر باشد و روغن بنفشه
 بیاورند و این دو را قدری با شیر خربامیزند و صلا یکنند و خمیر کرده و آن مروت اید را در میان آن نهند و
 باز این اخلاط کوپده را که اول یاد کرده شد قدری بر او هشتانند و در آتش نرم نهند و نرم بچوشانند
 زردی از او بر طرف شود و اگر مروت اید سرخی داشته باشد اسفند فاری و شب میانی و کافور
 بوزن برابر کنند و سخی کرده بشیر خمیر کنند و دانه های مروت اید را در او اندازند و آنگاه باز در میان آن خمیر
 تا پنجه شود مروت اید سفید و وزانی بر آید در بیان اسجوری چند که مروت اید را منقصر است رسانند
 مروت اید از گرمی بزرگی مایل شود از گرمی بدن و توقف در محل غمناک طراوت و لطافت او زایل
 گردد و بویهای تیز مانند مشک و کافور و ملاقات با دانه های او را زیان رسد و از احتیاط که با ایشان
 خشن تر آید و کرد و از وصول ادویه حریقه با و مانند فوشاد و مسکه پوشیده شود و اگر رنگ او

بر روی مایل بود آن ز روی را بچند طریق زایل توان کرد و یکی آنکه او را در شیر و انجیر خیسانیده و هر سه روز تغییر شیر نمایند تا زمانی که پلاس کدورت و صدف و تلخ نماید بیاض لباس و صفوت لبس کند
 طریق دیگر آن است که مروارید را باد و جزه مساوی از قلیه و صابون در کاشه کلین کشت موازجا
 و دو ساعت با تاش غیر شعل ضعیف بجوشانند و اگر رنگش مروارید بمرخی مایل بود سه جزء مساوی
 از کافور و شب میانی و آئشان فارسی در یکدیگر خورد کوفته بشیر تازه بمیداشند و مروارید را در میان
 آن گیرند و آنرا در خمیر گرفته در تنور گذارند تا خمیر بخت شود که حمزه عارضی بی بیاض ذاتی انفلا بسپایند
 و اگر تغییر مروارید بر اسطوخودوس مذکوره باشد مروارید را با مقداری صابون و بوره یا بسرخ نمک
 اندرانی در اندرون ظرفی زجاجی نهند و قدری آب بر آن بریزند و با تاش غیر شعل چندان بگردانند که
 شماره پانزده عدد بشمارد بعد از آن پروان آرند و جتیا ط کنند اگر نقاء کامل حاصل شده خوب است
 و الا فالعمل بیاد بیان دو قسم در شناختن طلا طلا نقره مس آئین جنت
 رصاحب قلع سیاه پلاتین در این نه فلز بقول ایل فرنگ پلاتین صاف و سفید و ثقیل میشود
 و بعضی فلزات را با هم که اخته چنانکه از مس و جنت برنج تیار می شود و هرگاه خواهند چند فلز را بهم اخته
 نمایند باید هر کدام فلز که دیگر اخته میشود آنرا اول بر آتش نهند و چرخ دهند بعد از آن دیگر که از آن نرم
 تر بود در آن اندازند و رنده فلز نرم سوخته خواهد شد شناخت طلا و نقره در طلا اگر
 مس و نقره آیمخته میباشد برای آن که از آن بر سنگ محک کشیده رنگ طلا را می شناسند و اندازه
 می نمایند که چه قدر مس و نقره آیمخته است و طریق آن چنین است که اول ۱۲ پاره نقره هر یک بوزن یکماشته
 و تنها میکنند بعد در یک ماشه نقره یکماشته طلا خرج داده بهم میکنند و در دو م پاره نقره دو ماشه و در
 سوم سه ماشه بهین پنج یک ماشه طلا افزوده در ۱۲ پاره نقره مذکور تیار نمایند و بهم چنین در دو و در
 پاره پس بطریق مذکور طلا آیمخته تیار کنند و جدا جدا بر هر یک پاره چه عدد دهند سه کنه برای حساب
 نگاه دارند هرگاه میخواهند طلای کم رنگ را امتحان کنند که چه قدر غش دارد بر سنگ محک آنرا کشند
 برابر آن پاره پای مصنوعی بکشند از آن دریافت میکنند که چه قدر آینهش دارد ترکیب جدا
 نمودن فلز است محلی ط اول بطریق مذکور معلوم کنند که چه مقدار نقره و مس در طلا مخلوط است
 اگر طلا بقدر نصف باشد در آن سه رخ کرده گوپده مثل ورق ساخته از مقدارش بیزه بیزه نماید و در شیشه آتش
 پر کرده و هر قدر این طلا مشوش باشد مضاعف آن تیزاب نشاء در آن بیامیزند و در یک ظرف متعطر
 آنقدر آب پر کنند که نصف شیشه در آن غرق شود بعد از آن ظرف را بر یکدیگر گذاشته آن شیشه را در آن

چرخ
مغیاب گردن فلزات
صلاخ
پند

استاد و بینند و آتش افزونند و ملاحظه کنند چون طلا و دو که انداخته شد آهسته آهسته شیشه را بر دارند و نیزه
که در آن است در ظرفی بگیرند و در داخل خاک گرفته از آب سرد و دو سه بار بشویند و آن آب را در تیراب مذکور
بیاورند بعد آن بنحیف سیاه خشک نموده در بوته نهاده اندک سها که انداخته چرخ دهند که طلای
خالص بر می آید باز در همان آب تیراب پارهای مس انداخته در همان آتش شیشه بگیریب مذکور
یا آنکه در ظرف مقعر ریخت بر نموده و شیشه را بقدر لغت در ریخت فرو برده و نصف از ریخت
بیرون داشته ظرفی که در آن ریخت و شیشه نهاده اند بر آتش گذارند و گرم نمایند و ته شیشه نقره
جمع خواهد شد آنگاه آبی که بالا آمده است است در پیاله چینی آهسته آهسته از شیشه بگیرند و در دریاچه
بطور مذکور گرفته و دو سه مرتبه از آب شسته در پیاله بپهند و خشک نمایند و آبی که از آن شسته اند
در تیراب اندازند و در خشک شود با سها که حسب معمول چرخ دهند نقره خالص بر می آید

ترکیب نقره نمودن طلا

طلا را در بوته انداخته بر آتش بپزند هر گاه قریب یکدخت آید آنوقت قدری شوره بر آن بریزند تا
شوره که انداخته در تمام بوته میرایت کند باین ترکیب طلا نرم می شود ترکیب جلا و اوان
طلا موم خالص بگیر طل سنگ را رخ بکشد و نیم تنه در یک اونس بور و یک اونس کل اونی
یک اونس شوره و دو درم به با یک سائیده موم را که انداخته در آن بپایند بعد طلا را گرم نمایند و بر آن
و در آب تارتر که بر آتش جوشان باشد آن را فرو برند و محلا خواهد شد ترکیب رنگ و اوان
طلای کرم رنگ در سر که رنگار انداخته در طلای کرمک مالیده در آتش سرخ کنند و بر آید
و صاف نمایند ترکیب جلا و اوان از خیر طلا در بول آدمی است در اینخته و زنجیر را در آن
انداخته بچشانند نهایت محلا خواهد شد ترکیب ساختن کلان بون از نقره خالص شیمی
ساخته از سوپان آنرا قدری خشک نموده و بر آن سیاه مالیده ورق طلا بر آن پیچیده بر آتش
تاب دهند سیاه خواهد پدید ورق طلا بر سرخ خواهد ماند بعد آن سرخ را چند باره نموده و بر باره را
پیچو مسل باریک کرده اند و بیکشند باریک بخوی که خواهند برابر ششم بپایند ترکیب
ساختن طلا خالص باریک شده ریزه ریزه نمایند بعدی که چار ریزه برابر یک
وال باشد و بر قدر ممکن باشد از آن است زر که می پهن کنند بعد در میان اوراق پوست آهسته
به ته نهاده و آن دسته اوراق را در کیشه پوست آهسته اندازند بر صفحه سفید آنرا که بپزد و تا ورق
طلا بقدر خواش تیار شود ترکیب ساختن طلا برای دندان مصنوعی

طلا یک جزء سیاب شست جزء به دو ریاجا گرم نمایند و بیامیزند هرگاه بهم شوند در آب سرد بزنند
و ندان سازند ترکیب کامل کولدرس شانزده جزء فقره یک جزء طلا دو جزء هر دو را بهم چسبند
ترکیب سیخ مال مس پنج جزء حبت یک جزء اول مس را بکند ازند بعد حبت شامل کنند هرگاه هر
یک ذات شود مثل سیخ او را در قالب ریخته و انماشته و خیره تیار کنند و اگر بجای مایه و در حبت
آمینند نرم و برتر خواهد بود در ترکیب ساختن طلا بالمناسفه کیمشال فقره را در دو
باشیخرف مکلس کند یعنی فقره را در به آب گرده و خورده و شیخرف را بر آوند تا اینکه خاک شود پس
از بوتته بیرون آورده در ظرفی آب شست و شو کرده که جرم آن برود فقره خالص ماند بعد بیاورد و در
ورق طلائی سترگی در آن داخل کرده باید سجده شود و نوره نصف مثقال نوشادر و یک مثقال بورد
زرگزی به به را مخلوط کرده و سستی بلع نموده زاج لاری محادل نیم مثقال در سرکه ریخته تا آب شده بعد
اندر آن اندک در ادویه فوق ریخته صلایه خشت نمود و باز صلایه کرده تا سه مرتبه تجدید عمل نمایند بعد
کم کم بر کیمشال طلائی نداب ریخته کرده صبر نمایند که پرده روی طلا برود باز اندکی برجه کنند تا تمام
شود و در مثقال طلا بیرون آید در کمال خوبی و نرمی و از جته جلای آن شوره و نمک رساوی با نوشا
کرده طلا را در آتش بسیار گرم کرده و در میان این سه ادویه اندازند تا تکرار در عمل موجب زینگی طلا میشود
یکه به تجربه شده ترکیب ساختن فقره بالمناسفه نوشادر و دارق و زاج سفید و نمک
طبرزد و نمک قلیاب و شور و ادویه بابا الماساوی گرفته سستی نمایند و در کفجه آینه نهند ازند و قدری
صابون را آب کرده و بالای ادویه مذکور ریخته مخلوط نمایند بعد هم وزن یکی از دواها دارق لفل گرفته
سستی نموده و به وزن یکی از دواها شیشه سفید آورده نرم کوپیده مخلوط دواها نمایند بوقت جا
ریا و زنده برنج خوب بشد زخانی تازکر او قدری دارا شکنه بران مالیده بجدی که از شدت مالیدن
برنج خورد شود چون معلوم شود که برنج بعضی اشاره خورد می شود به وزن برنج فقره وزن کرده به دو
در بوتته انداخته دوب نمایند یک فقره و برنج آب شد از آن دوا می اندک و کم در آن ریخته
و بهر اودغال بوتته را بهم زده تا اینکه بقدر دو مثقال دوا مثلا در چهار مثقال برنج فقره و در بوتته داخل
کرده شود پس برداشته در جره ریخته که فقره بالمناسفه میشود و از آتش سفید بیرون می آید و قبال خاتن
طلا ۱۴ فقره ۱۴ مس

سباب است به تجربه بسیار
ترکیب ساختن طلائی نیست کرت

ترکیب ساختن طلای چیده کرت و در این قسم سه حصه طلا و حصه چهارم دیگر فلزات باین تفصیل
 طلای خالص کرین مینی ویت اونس
 فقره ۳ طلا چیده کرت کرین مینی ویت اونس
 مس ۲ فقره ۴ مس ۲ ترکیب ساختن طلا ۱۹ کرت

	کرین	مینی ویت	اونس
طلا	۸	۱۸	۰۰
فقره	۱۶	۰۰	۰۰
مس	۰۰	۱	۰۰

اول فقره در بونه نداد اندک سما که ریخته بکند و چون سرد و در بونه کداخته شود در آن طلا اندازند و برای
 خرج و بند تا آنکه بنه خفیف رنگت محال بظن آید آنگاه در بالای آتش بر داشته سرد نمایند و هر چه بخواهند بسیارند
 مردمان پورپ از این قسم طلا بکشته میسازند موله رکله که برای وصل طلا ۲۲ کرت استعمال میشود وزن این

	کرین	مینی ویت	اونس
طلا ۲۲ کرت	۰۰	۰۰	۰۰
فقره	۳	۰۰	۰۰
مس	۲	۰۰	۰۰

طلا ۲۲ کرت را اگر خواهند که رنگ آن مثل
 جلا دهند شوره نمک شب بمانی هر سه را بقدر حاجت برابر گرفته در آب مثل شربت غلیظ القوام سرشته
 در آن طلا را گذاشته بالایش آتش قدری بدهند که خشک شود بعد بر داشته حدت نمایند
 رنگ طلای خالص خواهد شد

	کرین	مینی ویت	اونس
طلای ۲۲ کرت	۱۲	۱	۰۰
طلا	۱۶	۱۶	۰۰
مس	۴	۱	۰۰

بیان سیم در شناختن نقره

نقره را چند بار بر شکست محکم مالیده و تیزاب نوشا در یک دو نقره بر آن بریزند اگر در نقره آمیزش طلا خواهد بود خطوط مثل تحریر یا سی بار یک قاعه و نمودار خواهد ماند و الا فلا ترکیب جدا کردن طلا و نقره به هم آمیخته در طلا نقره آمیز در یا خشتن مقدار نقره چنانچه در باره طلا مرقوم گشته بمان طریق در باید اگر نقره از طلا کم باشد باید که دیگر نقره قدری خارج داده آمیزند باین قدر که مقدار نقره از طلا زیاد شود بعد این نقره و طلای مخلوط را پس کرد و بریزه نمایند و باز از مقدارش بار یک کم کنند و بقدر یک نقره تیزاب نوشا در اندازند و در شیشه آتشی زناده در یک بنهند هرگاه طلا نقره همه مذاب شود آب علاحد کنند و در سیاه نکند دارند و در آن اندک تیزاب انداخته بعد ساعتی بریزند و بهم چنین بار سیم نیز بعمل آرند و هر قدر در باقی ماند آنرا خشک نمایند و با سها که چرخ دهند خالص طلا بدست خواهد آمد بعد در تیزاب که سه مرتبه برداشته اند آب دو چند آمیزند و چند باره پس در آن بریزند از این ترکیب تمام نقره ته نشین خواهد شد آنرا بر آورده خشک نموده چرخ دهند ترکیب دور کردن لکه ها سیاهی از زیور است نقره اندک آب در کلو را نمایند لایم آمیخته از برشش صاف نمایند زیور را محلول خواهد شد

ترکیب ساختن نقره خالص از سمرمه

روغن تیزاب اتی متی تر و روغن سمرمه سیاه که از آمیزش تیزاب نیک میا زنده در یک فنجان کرده بر آن تیزاب فاروق تازه اندک اندک بریزند و سفید رنگ ته نشین خواهد شد باز آن آمیزش را در قدر اتی عرق بکشند و این عرق را نیمه هم پر کپوریم میکوند یعنی تیزاب سمرمه که دو باره از تیزاب فاروق کشیده اند بعد در آن طلای خالص اندازند آهسته آهسته که آخته مثل مرد سفید ته نشین خواهد شد بعد از آن بقدر مرقوم فوق طلا را جدا نمایند باز آن طلا را بار دیگر در عرق مذکور اندازند باین طریق بار دیگر که آخته خواهد شد باز بطریق مزبور طلا را جدا نمایند بعد آن هر دو سفوف را چرخ داده کلو له باند قندی جدید این فلز در یک نقره خواهد شد و خواص نقره در آن خواهد بود و در اکو ارجیا یعنی تیزاب مرکب از شوره و نمک اندازند که آخته خواهد شد و برشش مثل نقره هم در آن چرخ خواهد خورد و نقره و این نقره چنانچه فرقی نخواهد بود و این نقره از ایجاد مستمر یا کمی فرنی است و ازین ثابت می شود که از ترکیب آمیزشش اودیه خاصیت اصل فلز پیدا می شود

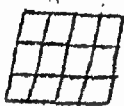
بیان چهارم در ساختن مس و جرمین سلور

ترکیب ساختن مس پنج پوند نیم مس اور بویه کدازده نصف پانزده در آن آمیزند مس سرخ
 تیار خواهد شد ترکیب ساختن مس سفید در بویه که دهنش تنگ باشد مس و سنگی را بریزند
 در آن قدری نمک پاشند و در کوره چرخ دهند و آنچه خواهند بازند قالب درست کرده بریزند این قسم
 مس بسیار سخت میباشد ترکیب سفید نمودن مس بریز پای مس را بقدر یک شصت ساخته
 بهشت مرتبه در آتش سرخ نمایند و در آب سرد کنند بعد چرخ دهند در یک رطل مس چهار اونس شوره و
 چهار اونس سنگی باریک سازند و بیامیزند و در میان بوت بر آتش نرم کنند از بعد برآورده و صوف
 سازند قاص سما که و سفید نکات انکوار از پرکات نیم اونس گرفته باریک سوده در بویه به مس میخند
 کداخته در قالب بریزند این قسم بسیار شفاف و سفید می شود این فلز را در انگلیزی که سستیلند فکس از سنگ
 می کویند بعد این شفاف آینه سی را بریزه ریزه کرده مس مذکور را کداخته بند بر سج هر یک را در آن آمیزند فلز
 پنج دقیقه چون این عمل تمام شود پانزده دقیقه بر آتش تند چرخ دهند بعد فرود آورده در قالب که برای
 این کار مخصوص است سرد کنند این مس نهایت سفید و خوب میشود ترکیب کشیدن مس از
 کرم خراطین بیاورند کرم خراطین بکس و بروغن کوسفند مالش کنند و دوسیرنگار و یک سیر زرد
 چوبه و سه عدد زبره کاد یا خرکوش در دستند و شش سیر شند نیز در او نمایند و بمالند و از آن نانی چند بسازند
 و در کوره آتش بسیار کنند و آنرا در آتش گذارند و یک روز آتش بپایند و از نای مس بیرون آید چون سرد شود
 بیرون آورده بشویند و این مس با زبره زبره پاست گویند که جافو که نذر سازند مادامیکه این مس در ترواح
 باشد ترکیب ساختن جبر من سلور مس هفت رطل حبت مسیت رطل یکل سفید ۲۵
 رطل اول مس و نخل را بریزه ریزه کرده همراه کداخته بعد حبت انداخته یک توکه سما که بالای آن ریخته و
 آتش آنرا تند کرده تا مخروج شود جبر من سلور خواهد شد هر چه خواهد باز در قورع و دیگر
 آبن بجز نخل ده جزء حبت ده مسیت جزء همه را به هم چرخ دهند ترکیب ساختن حبت
 قلع پنج جزء سهره چهار جزء بستمی بجز چرخ داده یک جسم نمایند ترکیب زود کداخته
 مس و مینج و فلز دیگر تا تر و نمک و شوره هم وزن گرفته باریک بنامند و بر فلز راکه
 کد حستن منظور باشد وقت چرخ دادن قدری در آن بپاشند

بیان آنچه در ساختن قلع و سرب

قلع را مانند نقره ساختن قلع چهار رطل نیم بستمی نصف رطل سهره نصف رطل سرب نصف رطل
 همه را کداخته یک جسم نمایند و آنچه خواهند در قالب ریخته تیار کنند چایی دان نهایت خوب صورت

از این فلز می سازند ترکیب ساختن قلع بزرگ است فقره قلع صدر طل سر به شست رطل سبت
یک رطل سس چهار رطل اول سس را که اخته بعد فلز است دیگر چون خوب که اخت میر به خواهن در قالب
ریخته تیار کنند ترکیب ساختن سفید آب بیکرند سرب و در دیک سفالین نوزند و کفجه آهنین
روی زنند تا خاک شود بعد از آن در دیک سفالین نوزند و سرب را هم که به بندند و در زیر دیک شش
کنند یک روز آنکه سرب بماند شود بیرون آید و سرب که تمیز روی ریزند و یک هفته او را بگذرانند تا همه سفید
گردد و فوج دیگر بقا حده اهل یورپ تنگ پای سرب بقدر و پنج عریض و طبر تیار کنند و در آن
سوزان کنند و در ریسمانی باریک همه را با کشند بقا صند بند شست بعد یک ظرف سنگی گرفته در آن



و باطلی سرب که تنانند و بر دهن آن ظرف پاره های چوب در عرض و طول باین شکل بندند
و بالای آن ریسمانی که پارچه های سرب در آن وصل است چنان ببندند که از سرب قدری بالا باشد
و سرب پاره جدا او بر آن باشد و سرب از او پیوسته شود و زیر ظرف شش نرم افرو زنند تا سرب که بچو شد
بعد ظرف را از بالای او جاع فروزد آفوده و دو آفوده روز در جای گرم ببندد بعد سرب پشش بردارند بر
ریخته های سرب خاک سفید میخورد خواهد بود و آنرا از کار جدا کرده در شیشه نگاه دارند و باز آنرا بطریق مذکور
برایش ببندند و بعد از آنکه مذکور خاک سفید هر قدر بایند جدا نمایند هم پسین تا چند بار تمام سرب
زک سفید خواهد شد ترکیب ساختن سرب دار شست بیازند سرب هر قدر خواهند و آنرا صفتی های باریک
کرده بعد از آن او جاعی از برین کند و آنرا خوب کلای می نموده که صاف و پاکیزه باشد آگاه آهک آب زدی
و او کو ب کرده بقدر یک شست و در آن او جاع ریخته و پارچه های سرب را بر آن بچسبند باز بالای آن
آهک فرش کنند بهیچ طریق طبقه طبقه آهک ریخته و سرب چیده و دیگر و در آن آتش کنند تمام آهک و
سرب با هم مخلوط شده و در آن سنگ شست شود بیان ششم در آهن و فولاد
شناخت آهن و فولاد بر آهن که در قطعات تیزاب شود ریزند و بعد از ساختن از آب سرد شسته
ملاحظه کنند اگر داغ سیاه افتد بدانند که فولاد است و اگر سفید باشد آهن است

ترکیب ساختن فولاد

آهن نرم ریزه ریزه نموده و چرم کهنه و استخوان و مورا بسوزانند که سیاه شود و مکرر خاکستر نشود و بعد
سرمه را با چسبیده بقدر و حقه این سفوف و ذغال ساییده بیا میزند و بقدر نیم حقه خاکستر هم
افزوده کنند و در بوتی کلی بقدر یک شست قشرش کرده بالای آن ریزه های آهن را بقا صند نیم انج
بگذرانند و در اطراف این ریزه های آهن پان خاکستر سیاه رنگ را ممل نمایند و بالای آن بقدر یک انج سفوف

مذکور کف نمایند و پس بپوشه را باغالی گرفته کل حکمت نموده خشک سازند و تا چهار ساعت در کوره
آهنگری آتش دهند و لاد خواهند شد ترکیب ساختن شمشیر که چون کاغذ پیچیده شود و شکنند
بسیار اندک این فعل بسیار را چند آنکه خواهند و بر پشم نهند و هر چه خواهد از آن آب از دهر مرده که او را از
آتش بیرون آورند و کاک کنند چون خواهند که در آتش برندیش از آن آب نمک شکار سرد
کنند و همچنین عمل میکنند و بر بار در آب مذکور سرد میکنند تا وقتی که آنچه خواهند ساخته شود نرمی او بحد
باشد که مانند کاغذ لوله گردد و تیزی آن طوری میشود که گیسنه را برود

ترکیب زهر دادن شمشیر و کار ده که از زخم آن بره بود می حاصل شود

بیارند آهن نرم دو جزء مس سه جزء از زیر سوخته و سرب و برنج سه جزء باهم آمیخته در بپوشه بزرگ کنند
و قدری سنگار بروی بریزند و با کتش قوی بکند از د چون گذاخته شود در یول قیل سرد کنند بر این قیاس
سه بار عمل نمایند هر چه که از آن آهن بسیارند از آن در پیر جا که زخم رسانند بغیر از طلاک شدن و دا
ندارد و قهر ع و دیگر در آید از این تیغ که چون بر نهد و شود یا خراشند و کرد و طلاک مینماید بسیارند
اکت و سر لکین و خاک در آب بگویند و در یول قیل تر کنند و تیغ و کور در او اندازند و در آتش
بتابند بعد از آن یک مثقال نوساد را برسانند و در آب فشانند و آنرا در آن غوطه دهند که چو
از آن جانی خراشیده شود امان ندهد ترکیب مضر نمودن شمشیر یونانی که با
هشت گرین مشک چهار گرین نبات قدری پسته را در مسخته بپاشند و بپاشند و قهر ع و
عود در آن مخلوط کنند و شمشیر را بر آتش گرم کنند و از این آئین مذکور بر شمشیر بمالند همیشه
خوشبو خواهد ماند بیان پنجم در سیاب صحنه و عی بداند که ساختن سیاب
دشوار است و حکای سابق کسی کرده که بیارند و در جزء سرب محلول که باب شکار حل کرده باشند
و پنج جزء طلای سیاه که بپاشنی شکار گذاشته باشند پس هر دو را در جانی کنند و آب شکار بر آن بریزند
و صلایه کنند تا هر دو یکی شود و مزوج گردد و در کرباس بطری کرده بقوت بشارند تا صاف شود
و پس در آید بوضع یکی که نیست از سبق صفای روشن که از سبق محذوفی فرق نتوان کرد و در چند عمل کار آید
مروارید زرد را و او را کشد سفید خواهد شد ترکیب ساختن شکر سیاب دوازده اولی
کبریت چهار وزن اول کبریت را در ظرف آئینی بر آتش نرم بکند از د و اندک اندک سیاب بر آید
چون هر دو بهم آمیزد و فرو آورده در مسخته باریک بپاشند و در شیشه آتشی بر نمایند و پس آن شیشه
از پاره آهن بند کنند و در میان آن یکسوراخ نمایند که در آن سوراخ تار آئینی برود و بقدر یک شمشیر

بر آن کل سخت نمایند چون کل خشک شود بر آتش ذغال زنند و از میل آهن حرکت داده باشند
 بر کاه سیاه و نیلگون بخار بر آید آنوقت آتش زیاد کنند چون دخان سرخ رنگ بر آید از آتش
 فرو آورده شیشه را سرد نموده شکسته شجره بر آید شناخت شجره فخالص و غیره خالص است
 اندک شجره فرا بر آتش می اندازند اگر نیلگون یا باد سنجی دخان بر آید خالص دانند و اگر سرخ بر آید غیر
 خالص ترکیب ساختن زرنیج سیاه بکچقه روغن تو تیا دو حصه هر دو را صلایه نموده
 زرنیج بکوبه نموده و آتش دهند چون خشک شود از آب گرم شسته در آفتاب خشک نمایند زرنیج زرد
 خواهد شد ترکیب ساختن شجره روغن سیاه ده توله کبیت ده توله نو شاد و پرنج توله
 پرسیه را بهم آمیخته باینچون سمره را کرده و در شیشه آتشی پر نمایند و در سیوچه ریخت محلول کرده
 شیشه را بطور معروف در آن نهاده زیر آن آتش افروخته جوهر بکینند ترکیب منجمه نمودن سیاه
 سیاه را در بکوبه آهن گذاشته با روغن زیتون بر آتش نرم گذارند و بنحو شانچو چون روغن
 تمام شود فوراً روغن اندازند یا تیراب خوب که سیاه بکشته میشود بعد بر آورده آنچه خواهد بسیارند
 ترکیب ساختن زنگار در ظرف مس سهر که تمیز نهاده در آفتاب گذارند سهر که را میخورد و زنگار
 می شود ترکیب ساختن روغن سیاه سیاه را در تیراب کبیت اندازند و بر آتش نرم گرم
 نمایند تیراب جذب شده سیاه را مثل سفوف خواهد کرد بعد آن سفوف را با تیراب هم وزن نمود
 بار دیگر گرم نمایند و آتش زیاد و از اول تیرا فروزند و از دخان آن چهره و چشم را محفوظ دارند که مضر
 است هرگاه و این تیراب هم خشک شود بار سیم تیراب هم وزن بریزند و آتش تند افروزد این در تیراب
 نخواهد شد مانند روغن خواهد ماند و سیاه قاعه النار میگرد ترکیب ساختن روغن سکنجبین
 برای آتش زدن شهر و قلاع این روغن برای پادشاهان خوب است و از اسرار غریبه بسیار طریق
 آن بیارند فقط سفید جزوی و سدر و سطلک اس جزوی روغن فی جزوی همه را در یک و یکچه روغن
 کنند و باید آن دیکت سطر باشد و سروی تنگ باشد و عشره نقطه سیاه کنند و سدر دیگر از عشره
 بنهند و این دیکت را در تنور نرفته زنند تا دو شبانه روز آنکه بر دارند و کوره بسازند و آن کوره را آتش
 کنند و آن دیگر را در کوره گذارند و یک شبانه روز آتش کنند بعد بر آورده بکفنه بگذارند بعد سرش را با زلف
 وقت حاجت بکار برند اگر دو درم از این روغن را در شهری بریزند همه شهر بسوزد هر چند خاک و آب
 بر آید و برزند شعله او تیر تر شود چاره آن بود که دم الغد النار السبر که بیا میزند و به نسکی باید در آن آتش اندازد
 در کفین روغن فی جبهه روغن مذکور و این از اسرار است مخفی باید داشت بیارند

نی بسیار که هنوز تر باشد و آن را وصله وصله کرده در میان روغن کنج چنانچه روغن بر او استاده
اندازند پس آنرا در شیشه کوزه و شیشه را بجل حکمت بگیرد و موی یال است در کلوی شیشه نهد و سر کون
بگذارد و در سوراخ خشت پنجه نهاده چنانچه سر شیشه از آن طرف خشت بیرون آید باشد و خشت
در کل گیرد و ده او را بر سر شیشه بنهند و در شیشه را یا جاک و شنی بچینند و آتش زنند روغن خواهد چکید
جمع آورند و کار بر مایع عمل کردن به این روغن فوق غلوه بسیار نندازند آن که میان آن خالی بود مقدار
سه درم از این روغن در غلوه کرده و سوراخ غلوه بقدر آنکه فستیل در آن سوراخ رود بود و فستیل در آن
در آن سوراخ کرده وقت حاجت فستیل را آتش زده در شهر دشمن بیا نندازند بجز در سیدان آتش در
غلوه شهر سوخته شود **بیان هشتم در طبع کاری ورق** معلوم باد که طبع

الاست مس و آهن فقره حکمت علی طلایی خالص را تلخیص نمایند و طریقتش آن است که تلخیص بر آله را که
باشد اول آنرا خوب صاف و مجلا نمایند و هیچ رنگ در آن نماند پس باره از ورق طلا را بسیار خالص
حل کرده بر آن آله مجلا طلا نمایند و مالای آن ورق طلا بچینند و با آتش در غل حل سرخ کنند و از آتش
بر آورده اندکی سرد کرده و در پاره مخلوط کنند چیده درشت مضبوط کنند بسبب انضغاط ورق طلا بجا
خود محکم نشیند پس از مهربانی رنگ بر آن مده زنند و جلاد دهند و اگر تلخیص فقره مقصود باشد آله را
صاف و مجلا نموده انداله فولاد خطهای باریکه از مو بر آن زنند بعد از آن ورق فقره را بر آن پیچیده با
سرخ کنند و با مده مده زنند و جلاد دهند این قسم تلخیص بسیار مضبوط و مدت را خراب نمیشود
از تلخیص آبی می باشد ترکیب تلخیص کردن بر کناره کتاب یا کاغذ چهار خیزه کل از موی
با یک جزئیات هر دو را در آب سحر تلخیص نموده یک عدد سفید تخم مرغ در آن آمیخته یا سرش بر کتاب
آب مالیده بگذارند تا خشک شود بعد از آن اسفنج را در آب قدری تر کرده بالای آن مالیده که
قدری از رطوبت چسبندگی پیدا کند ورق طلا را بر آن چسبانیده باینبه بسته بپوشانند و بگذارد و
تا خشک شود و آنوقت با سنگ سلیمانی آنرا صاف نموده

که مجلا خواهد شد ان شاء الله

۴۴۴۴

۴۴۴

۴

در طبع علوی

فرهنگ لغات کتاب کشف الصناعات و مخزن البصایع سماویة و تحتیة محمدی

حرف الف

Exctract of Saguwood	جوهر چوب بقم	اکتر اکت اف لاک اود
Oxalic acid	تیزاب شکر که با تیزاب شور مرکب کنند	اکتر اکت اسید
Irish moss	جَل و زخ	برش باس
Essence of musk	عطر مشک	اسنس اف مشک
Essence of amber	عطر کهر با	اسنس اف امبر کریس
Iringlass	سریش ماهی	ایزنگلاس
Alcohol	جوهر شراب	الکوبال
Oil of lavender	روغن لوندر انگریزی است	ایل اف لوندر
Asphaltum	روغن قنط	اسفالتم
Spirit of Turpentine	جوهر ترپن	اسپریت اف ترپن
Acetate of Copper	کشته طوطیا	استت اف کاپر
Indian Red	کلسرخ	اندرین رید
Starch	نشاسته	استارج
Indian Rubber	ربر پیزی مشهور است	اندرین ربر
که ایندات کو بال آینهش که بگو بات که بچند بچند بواسطه که برای بقای حیات انسان و روشنائی ضرور است و کو بال قتمی از فلزات است که رنگ آن کبود و بسیار نازک و زود شکسته می شود این مرکب آماده درد کانها انگریز و افروشی ممکن است		
Amber	دارشش کهر با	نیر وارنش
Acetate of iron	خاک آهن که با سرکه آمیخته شده	استت اف ایرن
Spirit of wine	جوهر شراب	اسپریت اف وین
Ultramarine	یکتیم رنگ نیلگون است که از سنگ ساخته میشود و از آنکه جود دارد	ولترای مارین
Scott liquid blue	یکتیم رنگ نیلگاه است	اسکات لکویید بلو
Stearic acid	تیزاب روغن زیتون	استیر پواسید

Armonia of commerce	نوشادر بازاری	امونیاوت کاترس
Arsenic acid	تیزاب سم الفار	ارسنیک اسید
Strass	آمینش قلع و سرب	استراس
acid of copper	یعنی نیل طویل را در آب نوشادر ریخته نشین میشود آن کسانیداف کپرا	اکسانیداف کاپر
Aquaregia	آمینش تیزاب نمک و شور	اکوارجیا
Excitate of aluminos	آمینش تیزاب که قسمی از معدنی کل است که در جوهرات جزء اصلی این است	اکزالت امونیا
Storass	مسیخته سائک	استوراکس

حرف الباء

Blue Aleppo gallo	مازو	بلو الیو کالس
Brazil wood	قسمی از چوب سرخ رنگ که از جزیره برازیل می آورند	برازیل اود
Prussian Blue	رنگ نیلی که آنرا نمک آهن میگویند	پرشین بلو
Potash	تیزاب چوب	پتاش
Polack Room	قیر سیاه	پلناک رومن
Brown Sape	صافون کبود رنگ	بران سوب
Balsam of copivi	روغن بلسان	بالسم اف کاپی وی
Pitchtar	قیر	پیچ تار
Benjamin	عود	بنجنامین
Bar wood	یک قسم چوب است که در ملک اندونزی پیدا می شود	بار اود
Bronze Powder	برونز پودر	برونز پودر
Brown amber	که برای کبود رنگ	برون امبر
Ben Esicle of manganese	میان کنش که مکرر سوخته باشد میان کنش قهوه ای از فلزات که زود شکسته میشود	بن لکسانید میان کنس
Butter of antimony	روغن سبز سیاه که از آمینش تیزاب نمک ساخته میشود	تیزاف انتی منی
Bismuth	جوهر قسمی از فلز است سفید که بر روی بایل می افتد	بسمت

حرف التاء

Tallow	چربی خجسته	تیا لو
--------	------------	--------

Tartar	نمک انگور	تارتر
Chinese Blue	صفت از رنگ آبی است	چائز بلو
Juice of Elder	لغاب یک درخت است که در شاخهای او خارهای سیاه رنگ پخته شده	جوئیس اف ملوز
Rock alum	صفتی از شب میانی است که در ملک سبز پیدا می شود	راک الم
Resin soape	صابون تیره زرد	روزن سوپ
Lead lead	سرخ	رد لید
Rose pink	نمک اسود او پتاس مرکب نموده	راجل پالت
	بک صتم رنگ سرخ است که چاکر ابا بر ازل او در آب خیسانیده آب لاله از آن گرفته می نمایند	روز پالت
Sulphate of iron	نمک آهن با که پتاس آمیخته شده	سلفت اف ایرن
Sulphate of Indigo	رب نیل	سلفت اف اندکو
Solution	آب نقوع خیسانیده	سلوشن
Sulphuric acid	تیزاب کبریت	سلفت اسید
Sumac	سفوف برگ درخت بلوط جفت می نامند	سوماک
Sulphate of Protoxide of iron	آهن دوبار دوخته	سلفت اف پروتوکساف ایرن
Sal ammoniac	نوشادر	سال امونیاک
Sap green	نمک سبز رنگ	ساب گرین
Sulphur of carbone	از گوگرد ساخته می شود	سلفت اف کاربن
Silica	پودره ارمینی	سیلیکا
Salt of Tartar	نمک در دشراب	سالت اف تارتر
Soda	صتمی از نمک است که از آب دریای شور و شکار کنده دریا پیدا می شود	سودا

حرف الشین

Shellac	لاک	شیر لاک
Sugar lead	سفید کاشغری	شکر لید

حرف الفاء

Set of taluk	از قلع و سرب نمک دریا و نمک چاق و بلور شیشه می سازند از زعفران می کنند	نفت و فلکس
Flake white	سفید اب	فلک و دمیت
Phospho-rods	جوهری است که خود بخود آتش میگیرد که از جوهر استخوان می سازند	فاسفسر سب
Phenyllic	تیزاب جوهر ذغال	فنیک الکوبال

حرف الکاف

Creosote	روغن چوب	کر یوسوت
Carbolic	تیزاب ذغال	کیا رباک اسد
Chloride of Platinum	پلاتین در کلوراین با سوا می نمختند	کلوریت اف پلاتینم

Glycerine	مستی عرق شیرین است	گلسرین
Chromate of Potash	نمک قلیاب که کار رنگ روز می آید	کرومات اف پتاش
Cream of Tartar	نمک شراب الکود	کریم اف تارتار
Gall nuts	مازو	کیال بنس
Calcedined silica	در کروم اسد شور می نمختند خاک سیاه می بینند	کالسدیند سیلیکا
Aceto Nitrate of Chrome		

Cochinial	کرم قمری	کوچینیل
Chloride of lime	ایک کلوراین با سوا آمیز	کلوراید اف لایم
Glass of antimony	مستی از آمیزش سرب	گلاس اف آنتی منی
Carbonate of lead	کاربانت با سرب آمیخته شده	کاربونات اف لید
Carbonate of Potash	نمک نباتات	کاربونات اف پتاس
Caustic cali Flood	ریخ درخت کالی که از خاکسته آن بخار می آید	کاستیک کالی رود

Carra-green	جل و زرخ	کارا گرین
Copel	سندروس	کوپل
Crudargol	جوهر شاد	کارونیت افسونیا
Calcinole & Bones	نمک درو شراب انگور	کره دار کل
Canada Balsum	یک قسم خاک پیا و رنگ	کبالتانید پارس بلایک
Gutta Percha	روغن بلسان	کانتا بلسم
	لعاب درخت	کتا پر چا
Gum lac	مستی از صمغ درخت است	کم لاک
Cholorate of Potash	کلارک با اسد آیمخته	کلاریت افسونیا
Gum damar	مستی از صمغ است که در جزایر پندیده می شود	کم دیامر
	حرف الف	
Laywood	چوب بستم سرخ	لاک اود
Petherage	مردار سنک	لترج
	حرف المیم	
Methylated	جوهر شراب انگور	میتلند
Mastic in tears	مصطکی رومی	مستکان ترس
Manganese	مستی از فلز سخت زود شکسته	میا کینا
Mucilage	لعاب توام	موسیلاج
	حرف النون	
Nitrate of Silver	نقره خالص و تیزاب کداخته شده	نیترات سلور
	حرف الواو	نیت اسید
Vermilion	شجره سحوق	ورمیلین
Vegetable	دوده از چوب اندها و کوچک	وجی نبل لایمپ بلاک

بارن استرپ صفت الباء قشر شلخ کادو کوزن و غیره
 یلوریزن صفت الیاء میرزاد
 Horn Strip Yellow Rein

فهرست وزن ادویه جات انگلیزی متعلق بمنتهجات محمدی

- | | | | |
|----|----------------|-----------|--|
| ۱۰ | کرمن یعنی نخود | برابر است | با نصف کوچ |
| ۲۰ | کرمن یعنی پسته | برابر است | با یک اسکر و پل |
| ۱۵ | درم | برابر است | با یک اونس و دو توله نیم که پنج مثقال باشد |
| ۱۴ | اونس | برابر است | با یک پوند که یک پل باشد که یکصد مثقال است |

MIRZA MOHAMED SHIRAZI
 ملک الکتاب
 BOMBAY

۱۱۱۵

